

توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

برای رشته حسابداری

استاد : مجتبی کریمی

فصل اول

رشد و توسعه اقتصادی

پس از جنگ جهانی سوم شاخه‌های مجزا از علم اقتصاد به وجود آمد که تحت عنوان اقتصاد توسعه مطرح گردید و به خاطر اهمیت آن به صورت گسترده و فراگیر ته به امروز مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه جدید در این زمینه به صورت تخصصی از زمان آدام اسمیت شروع و به مارکس و کینز و اقتصاد دانان معاصر منتهی می شود .

پس از جنگ جهانی دوم :

۱. از یک سو کشورهای دزگیر جنگ که با ویرانیها و نا بسامانیهای اقتصادی و سیاسی در گیر بودند.
۲. از سوی دیگر کشورهای مستعمره که با پیدایش نهضت‌های استقلال طلب به استقلال رسیده بودند.
هر دو گروه از کشورها دنبال راهکارهای توسعه و پیشرفت را به همین جهت توسعه اقتصادی پیش از پیش مورد اهمیت قرار گرفت و کشورهای عقب مانده راهکارهای کشورهای پیشرفته را انتخاب کردند که بسیاری از این الگوها و راهکارها با شکست مواجه شد .

در این مورد میردال می گوید:

"در کشورهای توسعه نیافته نباید تئوریهای به ارث رسیده از ما را به صورت پیش فرض قبول کنند بلکه آنها را بایستی بازشناسی کرده و با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی خود در راستای منافع و منطبق با مشکلاتشان بکار گیرند."

اهمیت توسعه اقتصادی:

امروزه ۷۰٪ مردم جهان دچار عقب ماندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی هستند . بیش از ۵۰٪ مردم جهان زیر خط فقر به سر می برند.

تعریف و مفهوم رشد و توسعه: رشد و توسعه در اغلب موارد به صورت مترادف به کار گرفته می شود ولی

این دو واژه علیرغم شباهت ظاهری مفاهیم جداگانه ای دارند.

رشد: رشد در لغت به معنی بزرگ شدن است و دارای مفهوم کمی رشد جمعیت

تعریف رشد اقتصادی: رشد اقتصادی عبارت است از افزایش تولید ناخالص ملی یک کشور در یک دوره

زمانی معین

توسعه اقتصادی: توسعه در لغت به معنای گسترش و بهبود است .

از سوی اقتصاد دانان مختلف برای توسعه اقتصادی تعاریف گوناگونی ارائه شده در ادامه به چند مورد اشاره

می کنیم:

در بسیاری از متون اقتصادی توسعه اقتصادی را رشد مدام و مستمر تولید ناخالص یک کشور تعریف می کند.

"جرالد می یر" معتقد است که توسعه اقتصادی یعنی فرایندی که به موجب آن درآمد واقعی سرانه یک

کشور در دورانی طویل المدت افزایش یابد.

بلاک توسعه اقتصادی را چنین مطرح می کند:

"دستیابی به تعدادی از هدفهای نمایان مطلوب و نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری های

اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش و مهارتهای جدید، بهبود در وضع نهادها و یا به طور منطقی دستیابی به

یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاستهای مختلف که بتواند انبوه شرایط نا مطلوب یک نظام اجتماعی را بر

طرف سازد."

تعریف بعدی از گونار میردال است که معتقد است :

"توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک سیستم یک دست اجتماعی به سمت جلو و همچنین به عقیده

وی در توسعه نه تنها روش تولید و توزیع محصولات و حجم تولید مد نظر است بلکه تغییرات سطح زندگی

نهادهای اجتماعی سیاستها نیز مورد توجه است."

اما کیندل برگر در تعریفی جداگانه رشد و توسعه اقتصادی را به صورت زیر بیان می کند :

"رشد اقتصادی به معنی تولید محصول بیشتر است."

"توسعه اقتصادی هم تولید بیشتر و هم پدید آوردن تحول در چگونگی تولید محصول"

تعریف فرید من از رشد و توسعه اقتصادی :

"رشد عبارت است از گسترش سیستم در جهت مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن "

"توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی "

با توجه به تعریفهای ارائه شده میتوان یک تعریف کلی از توسعه اقتصادی بیان کرد :

توسعه اقتصادی عبارت است از افزایش مدام ظرفیت تولید یک جامعه بر اساس تکنولوژی درون زا و پیشرونده پی ریزی شده است.

معیارهای اندازه گیری توسعه

دو معیار اندازه گیری رشد و توسعه عبارت است از :

۱- تولید ناخالص ملی (GNP) (ارزش کلی تولیدات یک کشور در یک دوره معین)

افزایش تولید ناخالص ملی و در آمد ملی را یکی از معیارهای اندازه گیری توسعه اقتصادی است .

معایب این معیار:

۱. اثر رشد جمعیت را نادیده می گیرد

۲. اثر رشد قیمتتها محسوب نمی شود

۳. روش توزیع درآمد مهم نمی باشد

۴. هزینه های جانبی که تولید ناخالص دارد حساب نمی شود

۵. اطلاعات و آمار برای محاسبه تولید ناخالص ملی دقیق نیست

۲- در آمد واقعی سرانه (تولید واقعی سرانه)

$$\text{درآمد واقعی سرانه} = \frac{\text{درآمد واقعی}}{\text{جمعیت}}$$

معایب :

به غیر از دو عیب ۱ و ۲ که فقط در معایب تولید ناخالص ملی آمده است و بقیه موارد هر دو مشترک هستند.

تولید ملی یا درآمد ملی از سطح قیمتها به دو صورت محاسبه می شود :

۱- تولید ملی به قیمت‌های جاری یا تولید ملی اسمی

۲- تولید ملی به قیمت‌های ثابت یا تولید ملی واقعی

تولید ملی به قیمت‌های جاری یا اسمی ارزش تولیدات یک جامعه را در یک دوره معین به قیمت‌های همان دوره

اندازه گیری می کند

در تولید ملی اسمی دو عامل دخیل است :

۱- تولیدات

۲- سطح عمومی قیمت‌ها

افزایش قیمت‌ها تولید ملی اسمی را افزایش میدهد. ولی تولید ملی واقعی متغیر قیمت‌ها را تبدیل می کند و

افزایش قیمت‌ها تاثیری روی واقعی ندارد .

ویژگیهای مهم توسعه اقتصادی

۱- تدریجی بودن: توسعه اقتصادی امری بلند مدت و تدریجی است

۲- خودگردانی و استمرار : داشتن یک نظم منسجم و قوی با برنامه و هماهنگی موجب می شود که ساختار

اقتصادی در مقابل شوک و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی مقابله و ایستادگی کند و تدابیر لازم را برای هر

گونه بحران اجتماعی در آینده انجام دهد.

۳- خود اتکایی: عدم وابستگی به عوامل تولید کالاهای استراتژیک خود اتکایی نامند.

۴- خود کفایی: تولید کالاهای استراتژیک در سطح نیاز جامعه را خود کفایی گویند.

رشد مدرن اقتصادی کوزنتس

رشد مدرن اقتصادی توسط سیمون کوزنتس که در سال ۱۹۷۱ برنده نوبل اقتصادی گردید مطرح شد

تعریف رشد مدرن اقتصادی

تعریف اولیه: افزایش مدام درآمد سرانه یا تولید سرانه گارگر که غالبا" با افزایش در جمعیت و تغییر

ساختاری گسترده همراه است .

این تغییرات ساختاری در حوزه های زیر قابل بررسی است:

۱- صنعتی شدن ⇔ تولیدات کشاورزی ← تولیدات غیر کشاورزی تبدیل شود

۲- شهری شدن ⇔ افراد از روستا ← به شهر رو می آورند

۳- وضع درآمدی افراد ⇔ متاثر از صنعتی شدن و شهر نشینی است

۴- توزیع محصول ⇔ بین مصرف ، سرمایه گذاری و هزینه های دولت

۵- گسترش روابط بین المللی

تعریف جدید کوزنتس

رشد مدرن اقتصادی عبارت است از افزایش بلند مدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کالاهای

هرچه متنوع تر به مردم این رشد ظرفیت بر مبنای تکنولوژی پیشرونده و تعدیلات نهادی و ایدئولوژیکی

مقتضی بر جنین تکنولوژی استوار است

بطور خلاصه ، کوزنتس از یک طرف بر افزایش تولید تکیه دارد و از طرف دیگر تولیدی را مهم تلقی می

کند که ناشی از پیشرفت تکنولوژی و تغییرات اجتماعی و فرهنگی باشد.

بحث کوزنتس در یک دوران تاریخی انجام می شود

مفروضات کوزنتس برای استخراج نتایج بر مبنای موارد زیر بود :

- ۱- تعریف و تمایز عصرهای تاریخی
- ۲- محدودیت در مشاهدات رویدادهای هر دوره تاریخی
- ۳- منبع گسترده ای از محرکهای رشد تاریخی است
- ۴- برخی از نوع آوری ها نیاز به ابداعات تکمیل کننده دارند
- ۵- هر گونه نوع آوری با تغییرات آن دوران مرتبط است
- ۶- هر عصر تاریخی متأثر از آموزش و تغییر در بلند مدت است
- ۷- ابداعات هر دوران فرصت هایی را برای واحدهای اجتماعی دیگر فراهم می کند

نوع آوری های تاریخی و دوران نوین

تعریف عصر تاریخی اقتصاد نوین :

عصر تاریخی اقتصاد نوین کاربرد گسترده برای حل مشکلات تولید اقتصادی است
بنابر این ، این دوره را می توان دوران علمی یا عصر تاریخی علمی نامگذاری کرد
همزمان با رشد و تحول تکنولوژی در جامعه سه تحول اجتماعی نیز رشد کرد

۱- دنیا گرایی (دنیا طلبی)

۲- مکتب مساوات بشر (عدم نژادپرستی)

۳- ناسیونالیزم (وطن پرستی)

دو نکته در بحث نوآوری مدرن اقتصادی وجود دارد عبارتند از :

- ۱- رشد اقتصادی در برخی موارد در دوران حاضر بر اساس تکنولوژی متکی به علوم نمی باشد بلکه
مدیون روندی آرام توام با روش ازمون و خطا است
- ۲- چون در اواسط عصر حاضر هستیم نمیتوان اشکالات عصر نوین اقتصادی را به صورت کامل بیان
کرد.

مشکلات تعریف و اندازه گیری

- ۱- واحدی که در آن رشد اقتصادی باید مطالعه شود از نظر کوزنتس واحدی است که با خصوصیات ملی مشخص شده باشد
- ۲- افزایش در جهت تولید سرانه به نظر کوزنتس جزو ویژگی اصلی رشد مدرن اقتصادی است
- ۳- مفهوم و معنای تولید یا محصول
- ۴- ویژگی های رشد پایدار از نظر کوزنتس مربوط به مدت خاصی از تاریخ نمی شود

کشورهایی که در رشد مدرن اقتصادی کنار گذاشته شدند

- ۱- کشورهای بسیار کوچک زیر یک میلیون نفر
- ۲- کشورهایی که دارای منابع طبیعی استثنایی مانند نفت هستند
- ۳- کشورهای کمونیستی

ویژگی های رشد مدرن اقتصادی

- ۱- افزایش ذاتی و طبیعی در نرخ رشد جمعیت حدود ۱۰٪
- ۲- در هر تولید سرانه با نرخ بالایی افزایش می یابد
- ۳- تحت تاثیر قرار گرفتن کلیه بخشها از تغییرات تکنولوژی و سازمانی
- ۴- تحولات ساختاری در بخشهای گوناگون در قالب کاهش سهم کشاورزی و افزایش سهم صنعت و افزایش سهم بعضی از خدمات مانند: شخصی - حرفه ای - دولتی و کاهش سهم خدمات خانگی صورت می گرفت
- ۵- مهمترین عامل تغییرات در تولید و غیره تغییر تکنولوژی است .

نکات کلیدی فصل اول

✓ اقتصاد توسعه ← بعد از جنگ جهانی دوم ← به صورت مجزا مطرح شد.

✓ علت اهمیت یافتن مقوله توسعه پس از جنگ جهانی دوم :

۱- رفع ویرانیها و نابسامانی های جنگ

۲- رفع آثار استعمار از کشورهای به استقلال رسیده

✓ گونامیردال ← توصیه به کشورهای توسعه نیافته ← عدم تقلید از الگوهای کشورهای توسعه یافته

✓ علت اصلی عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه

۱- عوامل داخلی

۲- نابرابری بین المللی

✓ بیش از ۷۰٪ مردم جهان توسعه نیافته ← بیش از ۵۰٪ زیر خط فقر

✓ از نظر جرالدمییر توسعه اقتصادی هدف نیست بلکه وسیله ای برای از بین بردن فقر مزمن است

✓ رشد یعنی بزرگ شدن ← توسعه یعنی گسترش و بهبود

✓ رشد اقتصادی : افزایش تولید ناخالص ملی در یک دوره

✓ توسعه اقتصادی افزایش تولید و ظرفیت تولید بر اساس پیشرفت درون زا

✓ معیارهای اندازه گیری توسعه :

۱- تولید ناخالص ملی (GNP)

۲- درآمد واقعی سرانه

✓ ویژگیهای مهم توسعه :

۱- تدریجی بودن ↔ ۲- خودگردانی واستمرار ↔ ۳- خود اتکایی ↔ ۴- خودکفایی

✓ رشد مدرن اقتصادی ← کوزنتس ← ۱۹۷۱ جایزه نوبل

✓ سه ابداع تکنولوژیکی مهم که انقلاب صنعتی را یاری کرد

۱- حوزه منسوجات نخی

۲- آهن

۳- ماشین بخار

✓ سه زمینه تغییر در فرایند رشد مدرن اقتصادی:

۱- دنیا گرایی

۲- مکاتب مساوات بشر

۳- ناسیونالیسم

✓ کشورهای که در مطالعات کوزنتس نیامده است :

۱- کشورهای بسیار کوچک

۲- کشورهای که منابع طبیعی استثنایی دارند

۳- کشورهای کمونیستی

سوالات فصل اول

- ۱- اقتصاد توسعه از کدام زمان به صورت جداگانه و مجزا مورد مطالعه قرار گرفت؟
- ۲- مطالعه اقتصاد توسعه به صورت جدید و امروزی را چه کسی شروع کرد؟
- ۳- دلیل اصلی اهمیت اقتصاد توسعه پس از جنگ جهانی دوم چه بود؟
- ۴- گونار میردال در جمله معروف خود به چه چیزی تاکید دارد؟
- ۵- علت توسعه نیافتگی کشورهای عقب مانده چیست؟
- ۶- رشد در لغت به چه معناست؟
- ۷- رشد اقتصادی به چه معناست؟
- ۸- توسعه در لغت به چه معناست؟
- ۹- تعریف زیر از توسعه اقتصادی از کیست " فرآیندی است که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طویل المدت افزایش می یابد "؟
- ۱۰- تعریف زیر از کیست "دستیابی به مقداری از هدفهای نمایان مطلوب و نوسازی از قبیل، افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری اجتماعی و اقتصادی، کسب دانش و فن و مهارتهای جدید، بهبود در وضع نهادها به طور منطقی، دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ که بتواند انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را بر طرف سازد"؟
- ۱۱- " توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به جلو" از کیست؟
- ۱۲- " رشد اقتصادی به معنای تولید محصول بیشتر و توسعه اقتصادی هم تولید بیشتر و هم پدید آمدن تحول در چگونگی تولید محصول " از کیست؟
- ۱۳- این تعریف از رشد و توسعه اقتصادی از کدام اقتصاددان است؟
- " از گسترش سیستم در جهات مختلف بدون تغییر در زیر بنای آن و توسعه عبارت است از یک روند خلاق و نو آوری در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی در سیستم اجتماعی "
- ۱۴- معیارهای اصلی اندازه گیری توسعه اقتصادی چیست؟

- ۱۵- از معایب معیارهای اندازه گیری (تولید ناخالص ملی) در توسعه کدام است؟
- ۱۶- معایب کدام یک از معیارهای اصلی اندازه گیری توسعه کمتر است؟
- ۱۷- تولید ملی از دید سطح قیمتها به چند قسمت تقسیم می شود نام ببرید؟
- ۱۸- تولید سرانه یعنی چه؟
- ۱۹- تدریجی بودن از ویژگیهای کدام مفهوم اقتصادی است؟
- ۲۰- ویژگیهای مهم توسعه اقتصادی کدام است
- ۲۱- عدم وابستگی کشور در عوامل تولید کالاهای استراتژیک را چه می نامند؟
- ۲۲- رشد مدرن اقتصادی توسط چه کسی مطرح شد؟
- ۲۳- در رشد مدرن اقتصادی و در تغییرات ساختار در این رشد توزیع محصول بین کدام عوامل باید تقسیم شود؟
- ۲۴- مهمترین و اساسی ترین اختراع بشر که به رشد و توسعه بسیار کمک کرد کدام اختراع بود؟
- ۲۵- دنیا گرایی حاصل چه چیزی است؟
- ۲۶- مکتبی که به هر انسانی حق شرکت در جامعه انسانی را داده باشد کدام مکتب است؟
- ۲۷- کدام کشورها در مطالعات کوزنتس نیامده است؟
- ۲۸- مهمترین عامل در رشد مدرن اقتصادی کدام است؟
- ۲۹- کدام مورد از ویژگیهای رشد مدرن اقتصادی نیست؟
- ۳۰- رشد اقتصادی بلند مدت علیرغم نوسانات کوتاه مدت روندی افزایشی داشته باشد، چه می گویند؟

فصل دوم

ویژگی کشورهای در حال توسعه

۱- ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه

الف - پایین بودن سطح درآمد سرانه (پایین بودن سطح زندگی)

فقر عمومی و گسترده مهمترین و بارزترین ویژگی کشورهای در حال توسعه است فقر در این کشورها یک پدیده مطلق است و سطح پایین زندگی ناشی از پایین بودن سطح درآمد سرانه در این کشورهاست علاوه بر آن توزیع نا عادلانه درآمد و عوامل دیگری مانند: جهل، نادانی، بی سوادگی و تشدید کننده فقر می باشد.

ب - کمبود سرمایه و نرخ ناچیز تمرکز سرمایه

کمبود سرمایه از دیگر پیامدهای فقر در کشورهای در حال توسعه است در این کشورها تولید سنتی است و بهره وری نیروی کار کم است و درآمد نیز به تابع آن ناچیز است پس پس انداز بسیار کم است و سرمایه گذاری ناچیز از ویژگیهای مشترک کشورهای در حال توسعه می باشد

ج - وجود پدیده دوگانگی

ساختار اقتصادی در این کشورها از دو بخش مجزا تشکیل شده است یکی بسیار مدرن و یکی سنتی که ارتباط و پیوستگی لازم را با هم ندارند .

د - وابستگی اقتصادی

وابستگی در قالب تجارت خارجی عبارت است از :

۱- وابستگی به صادرات یک محصول : بخش عظیمی از درآمد کشورهای در حال توسعه از صادرات تک محصول است و وابستگی شدید به یک محصول اقتصاد این کشورها را شکننده می کند ((نوسان قیمت این محصول موجب تاثیر شدیدی در اقتصاد کشور میشود)).

۲- وابستگی به واردات : اکثر مواد مصرفی و خدماتی کشورهای در حال توسعه وارداتی می باشد .

۳- وابستگی به سرمایه خارجی : بدلیل نرخ ناچیز سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه به سرمایه گذار خارجی رو می آورند .

۴- نرخ بالای رشد جمعیت : بالا بودن نرخ زاد ولد در کشورهای در حال توسعه از مشخصات بارز آنهاست علت اصلی بسیاری از مشکلات کشورهای در حال توسعه نرخ بالای رشد جمعیت در این کشورها می باشد .

۵- نرخ بالای بیکاری : دلیل عمده بیکاری در این کشورها عدم استفاده کامل و صحیح از عوامل تولید بویژه نیروی کار است .

۶- بزرگ بودن بخش کشاورزی با بهره وری پایین : علت نا کارآمد بودن بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه عبارت است از :

۱- عدم استفاده صحیح از امکانات کشاورزی

۲- استفاده وسیع از ابزارهای ابتدایی و عدم استفاده از تکنولوژی برتر

۳- بکارگیری روشهای تولید غیر اقتصادی

۴- استفاده از شیوه های نادرست مالکیت ارضی

ویژگی دیگری که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد

۱- مهاجرت بی رویه و بی برنامه از روستا به شهر

۲- رشد غیر منطقی خدمات

۳- تورم شدید

۴- صنعتی شدن ناقص

۵- نبود زمینه برای رشد اندیشه های علمی و تکنولوژیکی

۶- کمبود زیر بناهای اقتصادی

۷- فرار مغزها

۸- سیاستهای غلط بین المللی

ویژگیهای غیر مشترک (یا خاص هر کشور) کشورهای در حال توسعه

۱- شرایط طبیعی ، جغرافیایی و جمعیتی : مساحت ، منابع ، ساختار جمعیتی می توانند بین کشورهای

در حال توسعه متفاوت باشند

۲- ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی: ساختار اقتصادی، سیاسی ، فرهنگی و تاریخی نیز بین

کشورهای در حال توسعه متفاوت است

نکات کلید فصل دوم

- ✓ مهمترین و بارزترین ویژگی کشورهای در حال توسعه ← فقر عمومی و گسترده است
- ✓ علت پایین بودن سطح زندگی در کشورهای در حال توسعه ← پایین بودن سطح درآمد
- ✓ توزیع نابرابر درآمد در کشورهای در حال توسعه ← تشدید کننده فقر میباشد
- ✓ کمبود سرمایه از پیامدهای ← فقر در کشورهای در حال توسعه می باشد
- ✓ در کشورهای در حال توسعه شیوهای تولید سنتی ← تولید کم ← بازدهی نیروی کار کم ← پس انداز ناچیز ← سرمایه گذار کم
- ✓ به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان مهمترین عامل توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه کمبود سرمایه است
- ✓ پدیده دو گانی در کشورهای در حال توسعه یعنی دو بخش مدرن و سنتی که مکمل همدیگر نیستند

✓ سه نوع وابستگی در غالب تجارت :

- ۱- وابستگی صادرات
 - ۲- وابستگی واردات
 - ۳- وابستگی سرمایه
- ✓ افزایش جمعیت ← کاهش درآمد سرانه ← تشدید فقر

✓ عوامل به وجود آمدن بیکاری در کشورهای در حال توسعه عبارتند از :

- ۱- عدم استفاده کامل و صحیح از عوامل تولید بویژه نیروی کار
- ۲- نرخ بالای رشد جمعیت
- ۳- پدیده شهر نشینی

۴- سیاستهای غلط اقتصادی دولت

✓ عمده ترین دلیل و مهمترین دلیل برای بیکاری دلیل شماره یک است

✓ بزرگترین بخش در کشورهای در حال توسعه بخش کشاورزی است

✓ کشورهای در حال توسعه به سه گروه تقسیم می شود

۱- کشورهای بسیار فقیر و دارای کمترین توسعه مثل چاد

۲- کشورهای با توسعه یافتگی بیشتر از کشورهای گروه اول مثل هند

۳- کشورهای نفت خیز با درآمد بالا ولی از نظر توسعه یافتگی از گروه دوم کمتر مانند ایران

سوالات فصل دوم

- ۱- مهمترین و بارزترین ویژگی کشورهای در حال توسعه کدام است؟
- ۲- کدام مورد تشدید کننده فقر در کشورهای در حال توسعه می باشد؟
- ۳- به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان مهمترین عامل عقب ماندگی در کشورهای در حال توسعه کدام است؟
- ۴- پدیده دوگانگی بیشتر در کدام کشورهای به چشم می خورد؟
- ۵- ساختار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه به چند بخش متمایز می گردد توضیح دهید؟
- ۶- در کشورهای در حال توسعه بخشهای اقتصادی چه روابطی با هم دارند؟
- ۷- علت اصلی دوگانگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه چیست؟
- ۸- وابستگی اقتصادی در غالب تجارت بین الملل چند نوع است؟
- ۹- به چه دلیل کشورهای در حال توسعه در برابر نوسانات قیمت آسیب پذیرند؟
- ۱۰- ایران به چه چیزی وابستگی شدید دارد؟
- ۱۱- دلیل عدم بهبود وضع زندگی با افزایش تولید و درآمد در کشورهای در حال توسعه چیست؟
- ۱۲- دلیل عمده نرخ بالای بیکاری در کشورهای در حال توسعه چیست؟
- ۱۳- کدام مورد از عوامل ایجاد کننده نرخ بالای بیکاری در کشورهای در حال توسعه نیست؟
- ۱۴- بزرگترین بخش اقتصاد در کشورهای در حال توسعه کدام است؟
- ۱۵- علت ناکارایی بخش کشاورزی در جوامع صنعتی کدام مورد نیست؟
- ۱۶- ویژگی غیر مشترک در کشورهای در حال توسعه کدام است؟

فصل سوم

جریان تاریخی توسعه

در بررسی جریان تاریخی توسعه برخی از کشورها و عدم توسعه برخی دیگر دو دیدگاه وجود دارد :

۱- دیدگاه اول :

در این دیدگاه نظریه پردازان سه مرحله را مشخص می کنند که این مراحل پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته و صنعتی و همچنین در پیدایش و گسترش توسعه نیافتگی کشورهای فقیر و عقب مانده نقش ایفا کرده اند .

این سه مرحله که در فرآیند تاریخی توسعه کشورها را به دو گروه تقسیم میکند عبارت است از :

الف - مرحله تجمع یا تراکم اولیه سرمایه :

از قرن ۱۴ آغاز و تا اواخر ۱۸ ادامه داشت کشورهای که امکانات نظامی داشتند و ناوگان دریایی داشتند با تسلط نظامی به کشورهای ضعیف و غارت ثروت و چپاول آنها ثروت و سرمایه را از کشورهای ضعیف به کشورهای خود آوردند و از یک طرف فقر و بدبختی کشورهای مستعمره اضافه تر و ثروت و سرمایه کشورهای استعمار کننده زیاد شد .

ب - مرحله صدور کالا :

بعد از واقعه انقلاب صنعتی تحول عظیمی در روشهای تولید به وجود آمد . تولید به شکلی انبوه انجام شد و هزینه های تولید کاهش یافت بلوک توسعه یافته با صدور کالا ، صنعت در کشورهای عقب مانده را پیش از پیش از بین بردند و باز ثروت به سمت بلوک غرب و فقر گریبان گیر کشورهای عقب مانده شد و تا تاریخ ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول ادامه داشت .

ج - مرحله صدور سرمایه :

از بعد از جنگ جهانی اول شروع و علت آن تراکم زیاد سرمایه در کشورهای توسعه یافته و آمدن تکنولوژیهای جدید و گران شدن دستمزد کارگران ، فرار از مالیات ، دستیابی سریع به منابع اولیه ، کسب

مازاد سود اقتصادی بیشتر با ثروت به کشورهای توسعه یافته سرازیر و عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته بیشتر شد .

دیدگاه دوم :

گروهی از نظریه پردازان بر این عقیده هستند که انقلاب صنعتی باعث پیشرفت کشورهای توسعه یافته است (انقلاب صنعتی ۱۷۶۰ با اختراع ماشین بخار آغاز شد)

• انقلاب صنعتی دو ویژگی مهم داشت :

- ۱- انقلاب صنعتی موجب شد تا جوامع کشاورزی به صنعتی تبدیل شوند
- ۲- چون این انقلاب بر پایه علم شکل گرفت و تا به امروز دوام داشته است . عوامل مختلفی که در موقع انقلاب صنعتی نقش داشتند عبارتند از :
 - ۱- **انقلاب کشاورزی** : تغییر در شیوه تولید کشاورزی یا به طور دقیق تر انقلاب کشاورزی از عوامل مهم شکل دهنده انقلاب صنعتی بود
 - ۲- **پیشرفتهای علمی فرهنگی و اجتماعی** : از دیگر عوامل بوجود آورنده انقلاب صنعتی پیشرفت علوم در اروپا پس از قرون وسطی است . تا عصر شانزدهم را عصر انسانی گویند .
 - ۳- **عوامل فنی** : پیشرفتهای فنی و اختراعات ماشین آلات فراوان در اروپا و در قرن هیجدهم از عوامل مهم شکل گیری انقلاب صنعتی بود .

نکات مهم و کلیدی فصل سوم

- ✓ جریان توسعه به لحاظ تاریخی به طور همزمان در سراسر جهان آغاز شد.
- ✓ دو دیدگاه به لحاظ تاریخی وجود دارد که علت توسعه یافتگی کشورهای توسعه یافته و عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را بیان می کند .
- ✓ دیدگاه اول (دیدگاه مرحله ای) طی گذشت سه مرحله کشورهای توسعه یافته از کشورهای در حال توسعه جدا شدند .

✓ سه مرحله عبارتند از :

۱- تراکم سرمایه

۲- صدور کالا

۳- صدور سرمایه

- ✓ انقلاب صنعتی با فراهم شدن شرایط در مرحله اول به وقوع پیوست
- ✓ انقلاب صنعتی موجب بزرگترین تغییرات در تاریخ تمدن بشری شد .

مراحل دیدگاه اول	شروع	خاتمه
مرحله اول	قرن ۱۶	قرن ۱۸ انقلاب صنعتی
مرحله دوم	قرن ۱۸ بعد از انقلاب صنعتی	۱۹۱۴ قبل از جنگ جهانی اول
مرحله سوم	بعد از جنگ جهانی اول	تا کنون

- ✓ صدور سرمایه فقط مختص صنایع قدیمی و غیر استراتژیک است
- ✓ ویژگی های انقلاب صنعتی که در قرن ۱۸ در انگلیس به وقوع پیوست :

۱- کشاورزی ← انقلاب صنعتی

۲- بر پایه علوم ← تا امروز تداوم دارد.

- ✓ مهمترین عوامل بوجود آمدن انقلاب صنعتی

۱- انقلاب کشاورزی (قرن ۱۸ ، انگلیس)

۲- پیشرفتهای علمی ، فرهنگی و اجتماعی

۳- عوامل فنی

✓ بعد از قرون وسطی تا قرن ۱۶ (عصر رنسانس)

✓ بیشترین اختراعات توسط صنعت گران و پیشه وران عادی انجام شد (در طول انقلاب صنعتی)

سوالات فصل سوم

- ۱- چند دیدگاه در روند توسعه تاریخی وجود دارد؟
- ۲- دیدگاه اول شامل چند مرحله است؟
- ۳- برای دیدگاه اول چه مرحله ای باعث پیدایش دو گروه از کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته شده است؟
- ۴- مرحله تجمع سرمایه یا تراکم سرمایه از چه قرنی شروع شد؟
- ۵- شرایط برای وقوع انقلاب صنعتی در کدام مرحله فراهم شد؟
- ۶- مرحله صدور کالا تا چه مرحله ای ادامه داشت؟
- ۷- علت صدور سرمایه چه بود؟
- ۸- در مرحله صدور سرمایه چه صنایعی صادر می شود؟
- ۱۰- انقلاب صنعتی در چه سالی و در کجا به وقوع پیوست؟
- ۱۱- بزرگترین تغییر در تاریخ تمدن حاصل چیست؟
- ۱۲- ویژگی مهم انقلاب صنعتی کدام است؟
- ۱۳- از عوامل بوجود آورنده انقلاب صنعتی چیست
- ۱۴- انقلاب صنعتی در چه موقعی و در کجا به وجود آمد؟
- ۱۵- از بعد از قرون وسطی تا قرن شانزدهم را چه می نامند؟
- ۱۶- بیشترین اختراعات در موقع انقلاب صنعتی توسط چه کشوری انجام شد؟

فصل چهارم

تئوریهای رشد و توسعه اقتصادی

تئوری آدام اسمیت

آدام اسمیت (۱۷۹۰ - ۱۷۲۳) پدر علم اقتصاد جدید کتاب ثروت ملل اثر معروف اسمیت که در سال ۱۷۷۶ منتشر شد

اقتصاددان خوش بین و معتقد به قوانین طبیعی در امور اقتصادی بود به نظر وی افراد بهترین قاضی و بهترین تشخیص دهنده در مورد منافع شخصی خود هستند همه افراد در جهت حداکثر کردن منافع شخصی هستند که از طریق دست نامرئی (قیمت و مکانیزم بازار) به بهترین مسیر هدایت می شدند .

از نظر اسمیت دولت فقط باید در سه امور دخالت کند :

- ۱- امنیت خارجی
- ۲- امنیت داخلی
- ۳- تولید و نگهداری و خدمات کالاهای عمومی که به بخش خصوصی انگیزهای برای تولید ندارند

عوامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی از نظر اسمیت :

- ۱- افزایش جمعیت یا نیروی کار
- ۲- تقسیم کار
- ۳- تراکم سرمایه
- ۴- پیشرفت فنی
- ۵- تجارت خارجی

تقسیم کار بدون افزودن بر تعداد کارگران از سه طریق تولید را افزایش میدهد :

- ۱- افزایش مهارت و قابلیت هر یک از کارگران
- ۲- صرفه جویی در زمان تولید

۳- تسلط به کار و اختراع روشهای جدید و ماشین آلات

اسمیت معتقد است که تراکم سرمایه در اقتصاد به صورت کاملاً طبیعی ایجاد میشود دلیل آن نیز این است که افراد به خاطر نفع پرستی و احتیاطهای شخصی پس انداز می کنند

الگوهای رشد اسمیت

در قالب اقتصاد کشاورزی تک محصولی و در چهار چوب یک سال زراعی

$$Y_{t-1} = \text{مقدار محصول سال قبل}$$

$$Y_t = \text{مقدار محصول سال جاری}$$

$$W = \text{دستمزد سالیانه یک کارگر بر حسب محصول}$$

$$P = \text{متوسط تولید یک کارگر ، بازدهی کارگر}$$

$$\text{تعداد کارگری که می توان بر حسب محصول سال قبل استخدام کرد} = \frac{Y_{t-1}}{W}$$

$$\text{نرخ رشد اقتصادی} = \frac{Y_t - Y_{t-1}}{Y_{t-1}}$$

الگوی رشد اسمیت دارای دو حالت است :

الف - حالت اول : تمامی محصول سال قبل صرف تولید میشود

$$Y_t = \frac{Y_{t-1}}{W} \cdot P$$

با اعمال ریاضی زیر به فرمول رشد خواهیم رسید

طرفین را بر Y_{t-1} تقسیم می کنیم و دو طرف رابطه صورت منهای مخرج شده و حاصل

$$G = \frac{P - W}{W}$$

یا:

$$G = \frac{P}{W} - 1$$

نرخ رشد بستگی به P و W دارد که با P رابطه مستقیم و با W رابطه عکس دارد و اگر P و w ثابت باشد نرخ رشد هم ثابت است .

ب- حالت دوم : تمام محصول سال قبل صرف تولید نمی شود

در این حالت فرض این است که h درصد از محصول صرف تولید و $(1-h)$ درصد صرف غیر تولید میشود.

$$G = h\left(\frac{P}{W}\right) - 1$$

تئوری ریکاردو :

ریکاردو (۱۸۲۳_۱۷۷۲) کتاب اصول اقتصاد سیاسی و مالیات در سال ۱۸۱۷

اقتصاددان بدبین ← به علت محدودیت زمین

سه عامل تولید از نظر ریکاردو عبارتند از :

۱- زمین

۲- نیروی کار

۳- سرمایه

سهام هر کدام از عوامل تولید عبارتند از :

۱- اجاره سهم زمین داران

۲- دستمزد سهم کارگران

۳- سود سهم سرمایه داران

فرضیات تئوری ریکاردو:

۱- تئوری ارزش کار: قیمت هر کالا نشان دهنده مقدار کاری است که بر روی آن انجام شده است

۲- عوامل تولید در طول تولید نمی توانند جانشین هم شوند

۳- ضرایب فنی تابع تولید ثابت است

۴- قانون بازدهی نزولی در مورد زمین صادق است

- ۵- بازدهی در بخش صنعت ثابت است
- ۶- در اقتصاد کمبود تقاضای موثر وجود ندارد
- ۷- دستمزدها در سطح حداقل موثر قرار دارند
- ۸- بازار رقابتی حاکم است
- ۹- اقتصاد ریکاردو یک اقتصاد کشاورزی است

اجاره بها :

یا بهره مالکانه آن قسمت از ارزش تولید است که بدلیل استفاده از زمینهای حاصل خیز به صاحبان آن پرداخت می شود . که ریکاردو آن را رانت اقتصادی می نامد.

تئوری توزیع تولید بین عوامل تولید :

ریکاردو به توزیع تولید تاکید زیادی دارد

در نظریه ریکاردو با گذشت زمان توزیع تولید به نفع اجاره و به زیان سود تغییر می کند ، چرا که با افزایش جمعیت زمینهای غیر حاصل خیز زیر کشت می روند پس رانت اقتصادی افزایش می یابد

تمرکز سرمایه :

ریکاردو نیز مانند اسمیت اعتقاد دارد که رشد اقتصادی در اثر تراکم سرمایه بوجود می آید و انگیزه سرمایه گذار نیز سود بیشتر است .

سود برابر است با عواید حاصل شده منهای اجاره و دستمزد پرداختنی

نرخ سود عبارت است از ثبت سود سرمایه های بکار رفته در فرآیند تولید یا

$$\text{نرخ سود} = \frac{\text{سود}}{\text{تولید کل}}$$

نظریه رشد اقتصادی ریکاردو بر اساس قانون بازده نهایی نزولی قرار دارد، نرخ رشد اقتصادی تحت تاثیر نرخ سود است و نرخ سود به سهم سرمایه داران از درآمد بستگی دارد و چون به علت افزایش اجاره بها نرخ سود در حال کاهش است نرخ سود نزولی است و کاهش سود باعث می شود رکود در اقتصاد حاکم باشد، می توان نتیجه گرفت که تراکم سرمایه تا زمانی که موجب افزایش سطح دستمزدها نگردد موجب کاهش مداوم سود نخواهد شد.

راه حل‌های ریکاردو:

ریکاردو معتقد است کشورهای که دارای رشد اقتصادی زیادی هستند یا زمینهای حاصل خیزتری دارند یا واردات آنها محدودیت ندارد پس ریکاردو معتقد است که برای جلوگیری از بهره مالکانه یا باید محصولات وارد کشور شوند و یا با گرفتن مالیات از بهره مالکانه به کمک رشد شتافت.

ریکاردو طرفدار سرسخت تجارت آزاد بین المللی است و بر اساس اصل مزیت نسبی معتقد است که باید محدودیتهای تجارت خارجی از بین بروند.

نقد نظریات ریکاردو

- ۱- در بررسی ریکاردو فقط بخش کشاورزی لحاظ شده و بخشهای دیگری مانند صنعت نادیده گرفته شده است
- ۲- تحلیل مناسبی از رابطه بین تراکم سرمایه و رشد ارائه نشده است
- ۳- این تئوری که سطح درآمد در حداقل معاش است امروزه درست نیست
- ۴- تئوری ریکاردو بجای اینکه یک تئوری رشد باشد بیشتر یک تئوری توزیع درآمد است
- ۵- ریکاردو به صاحبان سرمایه و بنگاههای اقتصادی تفاوتی قائل نیست و به همین دلیل نقش نرخ بهره را نادیده می گیرد.
- ۶- عدم جانمایی عوامل واقعیت پذیرفتنی نیست
- ۷- نظریات ریکاردو با شرایط کشورهای در حال توسعه منطبق نمی باشد

تئوری مالتوس

توماس مالتوس (۱۷۶۶ _ ۱۸۳۴۹) اقتصاددان بدبین کلاسیک (کتاب اصول اقتصاد سیاسی) مالتوس عوامل توسعه اقتصادی و متغیرهای بازدارنده را به دو بخش تقسیم می کند ، عوامل اقتصادی و عوامل غیر اقتصادی مانند : پیشرفتهای فنی ، توزیع عادلانه ثروت ، درآمد فروش ، سخت کوشی ، جمعیت در قالب تصاعد هندسی رشد می کند و مواد غذایی به صورت تصاعد هندسی افزایش می یابد . پس مواد غذایی جوابگوی رشد نخواهد بود مالتوس برای جلوگیری از این کار نظریه پرهیز اخلاقی را عنوان میکند و در این نظریه عنوان می کند که دیر ازدواج کنیدواگر ازدواج می کنید دیرتر صاحب بچه شوید. مالتوس علت عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را در این می داند که این کشورها دارای بخش کشاورزی غیر بزرگ هستند ولی مکانیزه نیست که علت آن این است:

اولاً" : بیشتر کاربر است

ثانیاً" : بخش فقیری است

مالتوس مشکل توسعه اقتصادی را ناتوانی در استفاده مناسب از امکانات موجود در کشاورزی در کشورهای در حال توسعه می داند .مالتوس افزایش ثروت یک جامعه رابه توسعه اقتصادی آن جامعه نسبت می دهد.

عوامل موثر در ازدیاد ثروت :

- ۱- عوامل سیاسی و معنوی ← امنیت مال و دارایی ، وجود قوانین و اصول اخلاقی، رواج در ستکاری و سخت کوشی و رفتار مناسب مردم ...
- ۲- تمرکز سرمایه ← با صرفه جویی و صرف نظر از کالاهای لوکس و با کشش شیب پس انداز می کنند و سرمایه گذاری انجام دهید.
- ۳- زمین های حاصل خیز ← هر چه زمینهای یک کشور حاصل خیز باشد ثروت مندتر است
- ۴- اختراعات و نو اوری در جهت صرفه جویی در نیروی کار مالتوس مهمترین عامل توسعه یافتن یک کشور را افزایش تقاضای موثر می داند

راههای افزایش تقاضای موثر :

۱- توزیع عادلانه ثروت و درآمد

افزایش درآمد ← افزایش تقاضای موثر ← اگر از درآمد ثروتمندان

به طبقه فقیر داده شود تقاضای موثر افزایش می یابد .

۲- گسترش بازرگانی داخلی و خارجی

گسترش معاملات سبب افزایش ثروت ملی می شود

۳- حفظ مصرف کنندگان غیر مولد مالتوس عدم وجود تقاضای موثر را عامل رکود اقتصادی می داند و

دقیقا" به همین دلیل سبب حفظ مصرف کنندگان غیر مولد تقاضای موثر را افزایش می دهد .

۴- طرح کار عمومی برای از بین بردن بیکاری و افزایش تقاضای موثر

۵- اشتغال فقرا سبب تقاضای افزایش تقاضای موثر شده و موجب توسعه می شود.

دیدگاه مالتوس در خصوص جمعیت

افزایش جمعیت درست باعث افزایش تقاضای موثر و آن نیز باعث افزایش تولید می شود ولی اگر همراه با

افزایش جمعیت تولیدات بیشتر آنها افزایش نیابد کشورها به جای توسعه عقب افتاده تر می شود .

نظریه دام یا تله مالتوس

اگر درآمد سرانه افراد در حد پایین باشد و افزایش در آمد باعث شود که جمعیت آنها افزایش یابد دوباره

به سطح پایین درآمد بر میگردند که آن تله مالتوس نامیده می شود

رشد متعادل

مالتوس معتقد است که دو بخش کشاورزی و صنعت باید به صورت متناسب توسعه پیدا کند

ایرادات وارده به نظریه مالتوس

۱- به عکس عقیده مالتوس پس انداز فقط مختص زمین داران نیست

۲- تمرکز سرمایه نمی تواند باعث رکود اقتصادی دائمی باشد

۳- مالتوس کمبود تقاضای موثر را به صرفه جویی سرمایه داران نسبت می دهد که درست نیست .

۴- نظریه مالتوس هیچ گونه مطابقتی با کشورهای در حال توسعه ندارد

تئوری میل

جان استوارت میل (۱۸۰۶) لندن تلاش وی تلفیق دو نظام لیبرالیسم و سوسیالیسم همه جامعه را به سه طبقه تقسیم می کند

۱- زمین داران ⇐ سهم از اقتصاد اجاره

۲- سرمایه داران ⇐ سهم از اقتصاد سود

۳- کارگران ⇐ سهم از اقتصاد دستمزد

او نیز معتقد است رانت اراضی در یک جامعه در حال افزایش است و سود سرمایه داران در حال کاهش در حالیکه مزد کارگران همواره در حداقل معیشت قرار دارد و ثابت است او معتقد است قوانین مربوط به توزیع در آمد و ثروت غیر عادلانه و ظالمانه است او دخالت دولت را برای تغییر و اصلاح این قوانین لازم می دانست . او سیستم مشارکت و تعاون را بجای مزد بگیری و مالیات بر اراضی را بر کاهش رانت اراضی پیشنهاد میداد. خصوصیات یک کشور پیشرفته ← رشد جمعیت کمتر از رشد تولیدات

افزایش تولیدات :

۱- تسلط انسان بر طبیعت

۲- افزایش امنیت فردی و اجتماعی

۳- بهبود توان اجتماعی انسانها و تجارات

حالت سکون بر اساس اعتقادات میل نرخ سود دارای یک روند کاهشی است که به سوی حداقل کاهش می یابد که موجب می شود اقتصاد در وضعیت سکون قرار بگیرد .

در آمد بالا ⇐ پس انداز افزایش ← سرمایه گذاری افزایش ← نرخ سود کاهش

برای به تعویق انداختن حالت سکون :

۱- صادرات سرمایه

۲- بهبود روشهای تولید

۳- انجام خدمات زیر بنایی (عام المنفعه)

نقش دولت از نظر میل

دخالت دولت بسیار ناچیز ← اقتصاد آزاد به خودی خود در مسیر صحیح قرار می گیرد

۱- دخالت دولت در توزیع مجدد مالکیت عوامل تولید (از جمله زمین و مالکیت بر ارث حق وراثت غیر

عادلانه)

۲- دخالت دولت در آموزش اجباری و تنظیم ساعت کار کارگران

تئوری مارکس

کارل مارکس متولد آلمان (۱۸۱۸ _ ۱۸۸۳) پدر مارکسیسم یا سوسیالیسم او هم فیلسوف هم جامعه شناس

و هم تاریخدان بود و منتقد شدید سرمایه گذاری بود او سرمایه داری را محکوم به فنا می دانست

نظریات فلسفی و بینشی مارکس :

مارکس نگرشی ماتریالیستی داشت ← یعنی بر اصل مادیگرایی محض

نگرش ماتریالیستی

۱- اصل اول : به جز ماده چیزی وجود ندارد

۲- اصل دوم : ماده در حال حرکت است

۳- اصل سوم : این حرکت رو به تکامل است

در مورد حرکت ماده او معتقد به اصل دیالکتیکی بود

مراحل دیالکتیکی :

۱- تز ← چیزی که بوجود می آید

۲- آنتی تز ← مخالف آن چیز

۳- سنتز ← حاصل مخالفت و ضدیت که کاملتر از اولی است

مارکس توسعه جوامع را در گذر تاریخ به ۵ مرحله تقسیم می کند :

۱- جوامع اولیه ← انسانهای نخستین همه شبیه هم بودند

۲- مرحله برده ای ← دو طبقه برده دار و برده ← تضاد بین آنها در نتیجه فئودالیسم

۳- مرحله فئودالیسم ← دو طبقه ارباب و رعیت ← تضاد بین آنها در نتیجه سرمایه داری

- ۴- مرحله سرمایه داری ← دوطبقه سرمایه دار و کارگر ← تضاد بین آنها در نتیجه سوسیالیسم
- ۵- مرحله سوسیالیسم در نهایت کمونیسم ← مدینه فاضله ← حکومت مردم برای خود ← هر کسی به اندازه توان کار ← به اندازه نیاز برداشت

نظریه ارزش اضافی :

مارکس در این نظریه از ارزش کار ریکاردو استفاده می کند او معتقد است که ارزش هر کالا به اندازه کاری است که بر روی آن انجام شده است و سرمایه کار انجام نشده قبل است پس کارگر عامل اصلی ارزش کار آفرینی است چون کارگران حداقل معاش را می گیرند پس اگر از حداقل معاش بیشتر کار کنند که می کنند نصیب سرمایه داری شده که مارکس آن را استثمار کارگر می نامد .

سرمایه داران سه روش برای حداکثر کردن سود دارند :

- ۱- افزایش تعداد کارگران ← امکان پذیر نیست چون زمان و امکانات محدود است
- ۲- کاهش دستمزد کارگران ← امکان پذیر نیست چون دستمزد حداقل معاش است
- ۳- استفاده از ماشین آلات پیشرفته و تکنیک بالا ← راه سوم عملی است که استثمار کارگر را به همراه دارد .

الگوی رشد کامل مارکس

ارزش اضافی کارگر + سرمایه متغییر + سرمایه ثابت = ارزش کالای تولید شده

$$W = C + V + S$$

$$C = \frac{S}{\frac{C}{V} + 1}$$

به نظر مارکس افزایش $\frac{C}{V}$ از افزایش $\frac{S}{V}$ همواره بیشتر است لذا در فرمول بالا نرخ سود در حال کاهش

است به همین خاطر نظام سرمایه داری از هم پاشیده خواهد شد

انتقادات وارد بر نظریه مارکس :

- ۱- مارکس دارای تفکر یک بعدی است
- ۲- زندگی سخت مارکس کاملاً بر نظریات او تاثیر گذاشته است

۳- شواهدی تاریخی بر خلاف نظریات مارکس بوده است

۴- سود کارفرمایان از قبل استثمار کارگرات نیست ؟ مدیریت و ... تاثیر فراوانی بر سود دارد

تئوری شومپیتر

اقتصاددان اطریشی درسال ۱۸۸۳ متولد و یکی از بزرگترین اندیشمندان مکتب سرمایه داری است
اقتصاد با رقابت کامل ← بیکاری وجود ندارد ← قیمت هر کالا برابر با هزینه‌های تولیدش می باشد ، در این
شرایط سود خالص صفر است پس سرمایه گذاری انجام نمی شود بر همین اساس توسعه اقتصادی در
کشورهای سرمایه داری به بن بست خواهد رسید

شومپیتر جریان دورانی یا عدم توسعه را فقط توسط افراد خلاق و نو آور شکننده می داند و مهمترین و اصلی
ترین عامل توسعه را انسانهای خلاق و مبتکر می داند

شومپیتر نوع آوری را به ۵ شکل طبقه بندی می کند :

- ۱- تولید کالای جدید
- ۲- بکار گیری تکنولوژی یا روش جدید تولید
- ۳- بوجود آوردن یا کشف بازارهای جدید
- ۴- دسترسی به مواد اولیه جدید
- ۵- ایجاد سازمانهای جدید مثل شرکتهای بزرگ سهامی و یا انحصاری

شومپیتر اساساً از سه نوع دوره اقتصادی صحبت می کند

- ۱- دورانهای بلند مدت (۵۰_۶۰) سال
- ۲- دورانهای میان مدت (۸_۹) سال
- ۳- دورانهای کوتاه مدت ۴۰ ماه

شکست نظام سرمایه داری

شومپیتر عدم تقویت و فراموش شدن نو آوران و را عامل عدم رشد شرکتهای بزرگ میشود که این باعث از
بین رفتن نظام سرمایه داری می شود

انتقادات وارد بر تئوری شومپیتر :

- ۱- تنها علت و پایه و اساس توسعه اقتصادی نو آوران و نوآوری نیست

تئوری روستو

عقیده دارد که رشد و توسعه اقتصادی صرفاً "دارای جنبه اقتصادی نیست بلکه حاصل تحولات اجتماعی است

تحولات اقتصادی یک جامعه متأثر از شش گرایش اجتماعی است :

- ۱- گرایش به توسعه علوم انسانی
- ۲- گرایش به کاربرد علوم به منظور اهداف اقتصادی
- ۳- گرایش به قبول ابداعات
- ۴- گرایش به جستجو و دستیابی به پیشرفتهای مادی
- ۵- گرایش به مصرف
- ۶- گرایش به بچه دار شدن

پنج مرحله که هر کشور برای رسیدن به توسعه اقتصادی بایستی از آن عبور کند به عقیده روستو

عبارتند از :

- ۱- مرحله جامعه سنتی
- ۲- مرحله ما قبل خیز (مقدماتی)
- ۳- مرحله خیز (جهش اقتصادی)
- ۴- مرحله بلوغ اقتصادی
- ۵- مرحله مصرف انبوه

مرحله جامعه سنتی : جامعه ای که در حلت سکون و ایستایی است و اقتصاد در حداقل معاش است

مرحله مقدماتی (ما قبل خیز) : جامعه سنتی به جامعه نوین در حال انتقال است

علوم در حال طرز فکر سنتی کم کم جای خود را به طرز فکر علمی می دهد که نتیجه این دگرگونی عبارت

است از :

- ۱- تحرک اجتماعی ، حرفه ای و جغرافیایی
- ۲- تحول تدریجی در تولید بخشهای کشاورزی و صنعتی

۳- شکل گیری بنگاههای صنعتی در قالب چهارچوب جدید

۴- گسترش تجارت

۵- رشد آموزشی متناسب با نیازهای صنعتی

۶- گسترش امکانات حمل و نقل و ارتباطات

۷- انجام سرمایه گذاری زیر بنایی

مرحله خیز (جهش اقتصادی) : جامعه از شرایط قبلی جدا شده و در مسیر جدید که همراه با نو آوری

و پیشرفتهای فنی و تکنولوژیکی است می گذارد

از دیدگاه روستو در خلال مرحله خیز موارد زیر رخ می دهد :

۱- بجای مالکیت زمین و ابزار تولید مالکیت صنایع مطرح می شود

۲- اقتصاد صنعتی با اقتصاد کشاورزی غلبه می کند

۳- نرخ پس انداز و سرمایه گذاری افزایش می یابد

۴- صنایع جدید گسترش می یابد و بر تعداد صاحبان صنایع و سرمایه افزوده می شود

۵- انتقال تکنولوژی به بخش کشاورزی انتقال می یابد و کشاورزی از شکل سنتی به تجاری تبدیل می شود

۶- قدرت سیاسی به دست کسانی می افتد که بالاترین الویت را به نوسازی جامعه می دهند

۷- تغییرات اساسی در روش تولید ایجاد می شود

۸- درآمد مالکانه کاهش و سود سرمایه افزایش می یابد

روستو بر این عقیده است که بعضی از بخشهای اقتصادی باعث انتقال جامعه از مرحله ما قبل جهش به

مرحله جهش ممکن می سازند که به این بخشها بخشهای پیشتاز یا پیشرو می گویند

در انگلستان صنایع منسوجات پیشرو در آمریکا ، فرانسه ، آلمان ، کانادا و روسیه آهن و در سوئد صنایع چوب

پیش بودند

خصوصیات صنایع پیشرو

۱- رشد تقاضای آنها بیشتر از بقیه است

۲- این بخشها از طریق رابطه داد و ستد موجبات گسترش محصولات سایر بخشها می شوند

رشد سریع بخشهای پیش تاز بستگی به ۴ شرط زیر دارد :

۱- تقاضای موثر برای محصولات بایستی فراهم شود

۲- تبلیغ و شناساندن محصولات به سایر بخشها

۳- یک تابع تولید برای این بخشها باید در نظر گرفت

۴- وجود سرمایه کافی در مرحله اول

پیش شرطهای لازم برای وقوع مرحله خیز:

۱- افزایش نرخ سرمایه گذاری به پیش از ۱۰٪ در آمد ملی

۲- بهبود زیر بنایی اقتصادی

۳- ایجاد شرایط و نهادها وسازمانهای لازمه برای توسعه بخشهای کلیدی

مرحله چهارم: مرحله بلوغ اقتصادی

پی جوشی اقتصادی جامعه به سوی بلوغ اقتصادی حرکت میکند و ویژگیهای مرحله بلوغ که طی این مرحله

رخ می دهد

۱- سطح بالای درآمد سرانه

۲- کاربرد تکنولوژیها در همه سطح

۳- پیش زفتهای فنی جدید در اکثر فعالیتهای اقتصادی

۴- شهر نشینی و مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی

۵- افزایش تعداد کارگر ماهر و نیمه ماهر

۶- امکان انباشت سرمایه

مرحله پنجم: مرحله مصرف انبوه

ویژگیهای مرحله مصرف انبوه:

۱- در آمد سرانه در حد عالی

۲- سطح رفاه اقتصاد در بالاترین نقطه

نقد نظریات روستو

۱- لزوماً " تمامی کشورها در مرحله جامعه سنتی عبور نکرده اند

۲- در نظریه روستو مصرف انبوه از مرحله آخر است که در بعضی از کشورها این چنین نیست بلکه

ممکن است در مراحل اولیه مصرف انبوه صورت گیرد

۳- جدا کردن مراحل به این صورت ممکن نیست

تئوری لوئیس

کلاسیک ← نظریه توسعه ← نظریه توسعه اقتصادی با عرضه نامحدود نیروی کار
عامل اصلی توسعه نیافتگی در کشورهای در حال توسعه را دوگانگی اقتصادی می نامند .

لوئیس اقتصاد کشورهای توسعه نیافته را به دو بخش مجزا تقسیم می کند:

۱- سرمایه داری

۲- معیشتی

لوئیس معتقد است که در این کشورها در بخش سنتی یا معیشتی که بیشتر کشاورزی است تولید نهایی کارگر صفر یا منفی است و بیکاری پنهان وجود دارد لوئیس معتقد است که باید کارگر را از بخش سنتی به بخش صنعتی انتقال دهیم تا موجب گسترش و توسعه صنعت شود .

بر اساس نظریه لوئیس جابجای نیروی کار بین دو بخش مستلزم سه شرط است :

الف - تولید نهایی در بخش سرمایه صنعتی باید بالاتر از تولید نهایی در بخش سنتی باشد .

ب - سرمایه گذاری در بخش صنعتی باید با رشد جمعیت زیاد شود .

ج - هزینه های باز آموزی برای تربیت کارگران ماهر در طول زمان ثابت باشد

تئوری لوئیس به خوبی توانسته است که نقش و اهمیت تراکم سرمایه ناشی از بکار گیری مازاد نامحدود نیروی کار بخش معیشتی است را در توسعه اقتصادی نشان می دهد .

لوئیس صنعتی شدن را تنها راه حل مشکل کشورهای توسعه نیافته نمی داند بلکه عقیده دارد کشورهای توسعه نیافته باید از تمامی امکانات و نیروی کار غیر ماهر به بهترین نحو استفاده کنند.

و دیگر راه کارهای لوئیس در مورد کشورهای توسعه نیافته :

۱- سرمایه گذاری بر روی صنایع سبک در مرحله اول و هدف قرار دادن آنها

۲- صنایع سنگین را در حد بازارهای داخلی محدود کنند

ایرادات وارده بر نظریه لوئیس :

- ۱- عدم توجه به مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر
- ۲- آموزش نیروی کار در کوتاه مدت امکان پذیر نیست
- ۳- فقط به بخش سرمایه داری اشاره شده است
- ۴- به علت ویژگی فرهنگی وساختار سنتی انتقال نیروی کار از بخش معیشتی به بخش سرمایه داری به سختی انجام می شود .

تئوری میردال

اقتصاددان سوئدی ← ۱۹۷۵ ← جایزه نوبل به خاطر مطالعاتش در رابطه با عدم توسعه یافتگی کشورهای توسعه نیافته .

به عقیده میردال در فرایند توسعه اقتصادی دو نوع اثر به وجود می آید که در جهت تقویت همدیگر نمی باشند بلکه همدیگر را تضعیف می کنند این دو اثر عبارتند از :

- ۱- اثر بازدارنده
- ۲- اثر انتشار

به نظر وی در کشورهای توسعه نیافته اثر باز دارنده نقش اصلی را ایفا می کند و اثر انتشار نیز خود تقویت کننده اثر بازدارنده است . اوضاع اقتصادی و نابسامانی امور جزء اثر بازدارنده است

درآمدهای منابع و مواد اولیه جزء اثر انتشار است . میردال در بحث توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم بحث زیادی در مورد نابرابریهای منطقه ای و بین المللی می کند .

نابرابریهای منطقه ای :

سرمای گذاری و حمایت در جایی انجام می شود که انتظار سود بیشتر است پس باعث می شود که اثر بازدارنده گسترش یابد با مهاجرت مردم از روستا و به شهر یک منطقه فقیر و یک منطقه ثروتمند می شود

نا برابریهای بین المللی :

تئوریهای تجارت جهانی باعث نا برابریهای بین کشورهای صنعتی و فقیر می شود کشورهای صنعتی دارای حرفه های خرجی و پیشرفته هستند که در تجارت با کشورهای فقیر آنها هر چه سرمایه دارتر می شوند ایتها فقیرتر می شوند

سوالات فصل چهارم

- ۱- اسمیت نسبت به آینده سرمایه داری چه نظری داشت
- ۲- در نظریه اسمیت علت این است که دست نا مرئی و مکانیزم بازار اقتصاد را به بهترین مسیر راهنمایی می کند چیست ؟
- ۳- حمایت از هر فرد در جامعه به نظر اسمیتوظیفه چه نهادی است ؟
- ۴- در نظریه توسعه اسمیت بر کدام عامل از عوامل توسعه بیشتر تاکید می کند ؟
- ۵- به نظر اسمیت یکی از عوامل افزایش بهره وری چیست ؟
- ۶- از نظر اسمیت میزان تقسیم کار به چه چیزی بستگی دارد ؟
- ۷- تقسیم کار چگونه باعث افزایش تولی می شود ؟
- ۸- از نظر اسمیت تراکم سرمایه به صورت مستقیم باعث افزایش چه چیزی در جامعه می شود
- ۹- از نظر اسمیت تراکم سرمایه به چه صورت و به چه دلیل انجام می شود ؟
- ۱۰- از نظر اسمیت چه کسانی قادر به پس انداز و انباشت سرمایه هستند ؟
- ۱۱- اسمیت صرفه جمعی شخصی و دولتی را در چه چیز مهم می داند ؟
- ۱۲- از نظر اسمیت تجارت خارجی نوعی است ؟
- ۱۳- الگوی $G = \frac{P}{W} - 1$ دیدگاه کدام اقتصاددان است ؟
- ۱۴- در الگوی رشد اسمیت بهره وری چه رابطه ای با نرخ رشد دارد ؟
- ۱۵- در الگوی رشد در حالت دوم افزایش دستمزد چه تاثیری روی نرخ داشته است ؟

- ۱۶- در اقتصاد ریکاردو در نتیجه افزایش موجب اقتصادی خواهد شد
- ۱۷- در نظریه ریکاردو بیشتر به کدام عامل اقتصادی توجه دارد
- ۱۸- ریکاردو از اقتصاددانان است
- ۱۹- عوامل تولید از نظر ریکاردو
- ۲۰- ریکاردو تئوری خود را در قالب کدام بازار بیان می کند؟
- ۲۱- به نظر ریکاردو افزایش اجاره بها حاصل چیست؟
- ۲۲- تفاوت بین تولید متوسط و تولید نهایی از نظر ریکاردو چیست
- ۲۳- به نظر اسمیت حقوق کارگران در اقتصاد چگونه تعیین می شود؟
- ۲۴- از نظر ریکاردو سود چگونه به دست می آید؟
- ۲۵- به نظر ریکاردو نرخ رشد اقتصادی تحت تاثیر است
- ۲۶- راه کار ریکاردو برای جلوگیری از روند نزولی بودن سود چیست؟
- ۲۷- به نظر ریکاردو انگیزه اصلی کلیه فعالیتهای اقتصادی چیست؟
- ۲۸- به نظر ریکاردو سرعت رشد اقتصادی در کدام کشورها زیاد است؟
- ۲۹- به نظر ریکاردو مالیات از کدام قشر جامعه باید گرفته شود؟
- ۳۰- ریکاردو طرف دار سرسخت چه چیزی است ؟
- ۳۱- عامل اصلی توسعه اقتصادی از نظر ریکاردو:
- ۳۲- در نظریه ریکاردو در فرایند توسعه نقش کدام بخش نادیده گرفته شده:
- ۳۳- ریکاردو نقش چه چیزی را در جریان سرمایه گذاری و رشد نادیده گرفته است :
- ۳۴- کدام اقتصاددان اولین بار در زمینه فقر و توسعه نیافتگی کشورهای عقب افتاده تحقیق کرد:
- ۳۵- کدام یک از عوامل زیر جزو عوامل غیر اقتصادی از نظر مالتوس است
- ۳۶- به نظر مالتوس تولید مواد غذایی در جهان از لحاظ رشد به چه صورت است
- ۳۷- مالتوس برای ایجاد تناسب بین رشد جمعیت و مواد غذایی چه توصیه می کند
- ۳۸- بخش کشاورزی از نظر مالتوس در کشورهای در حال توسعه چه ویژگیهایی دارد
- ۳۹- به نظر مالتوس مشکل توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته ناتوانی در استفاده است

- ۴۰- به نظر مالتوس با افزایش قیمت کالاهای تولیدی می توان گفت کشور در مسیر توسعه است
- ۴۱- کدامیک از عوامل ازدیاد ثروت از نظر مالتوس نیست
- ۴۲- به نظر مالتوس صرفه جویی در کدام کالاها باید صورت بگیرد
- ۴۳- به نظر مالتوس برای فراهم نمودن سرمایه لازم برای آینده باید چه راه کاری در پیش گرفت
- ۴۴- به نظر مالتوس اختراع کدام کالاها سبب افزایش قدرت خرید مردم میشود
- ۴۵- به نظر مالتوس عامل اصلی توسعه یافتگی کدام است
- ۴۶- کدام عامل تقاضای موثر جامعه را افزایش نمی دهد
- ۴۷- دامنه ای از درآمد سرانه در یک جامعه که در آن دامنه نرخ رشد جمعیت فراتر از نرخ رشد درآمد باشد را چه می نامند
- ۴۸- برای گریز از تله سطح پائین درآمد چه راهکاری باید در پیش گرفت
- ۴۹- به نظر مالتوس چه عاملی موجب رکود اقتصادی می شود
- ۵۰- طبقه بندی استوارت مین از جامعه چیست
- ۵۱- مین قوانین مربوط به چه چیزی را ناعادلانه و ظالمانه می داند؟
- ۵۲- مین برای تغییر سیستم مزدبگیری چه چیزی را جانشین مناسب آن می داند
- ۵۳- همین خصوصیت عمده یک کشور پیشرفته را در *** رشد جمعیت چه می داند
- ۵۴- عامل رشد تولیدات میل کدام است
- ۵۵- میردال دخالت دولت را چگونه و در چه موارد لازم می داند
- ۵۴- بنیانگذار سوسیالیسم علمی چه کسی است
- ۵۵- مهمترین عامل در تحولات و تغییرات جامعه از نظر مارکس چیست؟
- ۵۶- مارکس جوامع را گذر تاریخ به چند مرحله تقسیم می کند
- ۵۷- مارکس ارزش اضافی را برای چه عاملی می داند
- ۵۸- فرمول $r = \frac{\frac{s}{v}}{\frac{s}{v} + 1}$ دیدگاه کدام اقتصاددان را نشان می دهد
- ۵۹- به نظر مارکسی افزایش $\frac{C}{V}$ از افزایش $\frac{S}{V}$ همواره می باشد

- ۶۰- شومپیتر تحمیل فرد را در کدام بازار بیان می کند
- ۶۱- در رقابت کامل هر کالا برابر با هزینه عوامل تولید شی است و سود صفر است، شومپیتر این مسئله را چه می نامد
- ۶۲- شومپیتر نقش چه کسانی را در توسعه مهم و کلیدی می داند
- ۶۳- از نظر شومپیتر نوع آوریهای انسانهای خلاق در کدام زمینه باید انجام نشود
- ۶۷- مقصود شومپیتر از نوآوری در چه زمینه ای است
- ۶۸- شومپیتر کدام عامل را در فروپاشی سرمایه داری موثر نمی داند
- ۶۹- عامل مهمی که در جهت توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته شومپیتر نام می برد کدام است
- ۷۰- گرایش به ابداعات از تحولات اجتماعی که باعث تحولات اقتصادی یک جامعه می شود از نظرات کیست
- ۷۱- از نظر روستر در کدام مرحله جامعه در آرامش عاری از حرکت به سر می برد
- ۷۲- از نظر روستر دومین مرحله که جامعه در حال شروع تحولات اجتماعی - اقتصادی است کدامند
- ۷۳- از نظر روستر در کدام مرحله اقتصاد صنعتی به اقتصاد کشاورزی غلبه می کند
- ۷۴- از نظر روستر کدام بخشهای اقتصادی کار انتقال را از مرحله ماقبل خیز به خیز انجام می دهند
- ۷۵- این خصوصیات کدام بخشهای اقتصادی است « رشد تقاضای آن از سایر بخشهای دیگر زیادت است »
- ۷۶- یکی از شرطهای رسیدن به مرحله خیز افزایش سرمایه گذاری به چند رویه از درآمد می باشد
- ۷۷- مشارکت زنان در اقتصاد در کدام مرحله گسترش پیدا می کند
- ۷۸- نظریه لویسی به چه نظریه ای شهرت دارد
- ۹- به نظر لوئیس کشورهای توسعه نیافته باید در درجه اول به کدام صنایع اهمیت دهند
- ۸۰- به نظر کدام اقتصاددان تنها با تکیه بر نظریات اقتصاد سنتی غرب توسعه در کشورهای توسعه نیافته رخ نمی دهد
- ۸۱- به نظر میردال اثر بازدارنده و انتشار چگونه بر هم اثر دارند
- ۸۲- میردال در بحث توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم تاکید بر کدام مسئله دارد
- ۸۳- به نظر میردال هر چه ابعاد توسعه اقتصادی گسترده تر باشد شدت اثر می شود
- ۸۴- به نظر میردال چه چیزی باعث افزایش نابرابریهای بین المللی شده است

۸۵- از نظر میردال دولت باید چه چیزی را به شدت کنترل کند

فصل پنجم

مدلهای رشد به دو دسته تقسیم می شوند : ۱ - مدل‌های حقیقی ۲- مدل‌های پولی

مدلهای حقیقی : مدل‌هایی هستند که در آنها پول نقشی ندارد

مدلهای پولی : مدل‌هایی هستند که در آنها پول نقش دارند

مدل رشد هارود- دومار :

$$Y^{\circ} = \frac{S}{V} \Rightarrow \text{نرخ رشد تولید ملی} = \frac{dy/dt}{yt} = \frac{S}{V}$$

در مدل فرض بر این است که اشتغال کامل است پس

$$\text{نرخ رشد تولید ملی } g^{\circ} = y^{\circ} = \text{نرخ رشد جمعیت}$$

پس برای مدل رشد هارود - دومار

$$g^{\circ} = y^{\circ} \quad ۱-$$

۲- رابطه مستقیم نرخ پس انداز با تولید ملی

۳- رابطه عکس نسبت سرمایه به تولید با تولید ملی

$$I^{\circ} = Y^{\circ} = L^{\circ} = g^{\circ} = x = \frac{S}{V}$$

در رشد هارود دومار نرخ رشد جمعیت و نیروی کار و تولید ملی و سرمایه گذاری با پس انداز رابطه

مستقیم و با نسبت سرمایه به تولید رابطه عکس پس انداز در یک جامعه افزایش تولید ملی و غیره

افزایش و هر چه $\frac{K}{Y}$ (نسبت سرمایه به تولید) افزایش تولید ملی و غیره کاهش می یابد.

در مدل هارود دومار تکنولوژی نادیده گرفته شده

مدل سولو بر پایه تولید کاب داگلاس

$$Y = AK^{\alpha}L^{\beta}$$

α کشش K سرمایه

β کشش L نیروی کار

مجموع کشش برابر یک است

$$\alpha + \beta = 1$$

$$\beta = 1 - \alpha$$

با مشتق گیری از معادله

$$Y = AK^\alpha L^{1-\alpha}$$

به معادله جدید که در زیر نوشته شده می رسیم:

$$Y^\circ = \alpha K^\circ + \beta L^\circ$$

نرخ رشد با توجه به معادله بالا در مدل مولد برابر است با مجموع وزنی نرخ رشد سرمایه و نیروی کار

مدل رشد اقتصادی مدل با پیشرفت تکنولوژی

$$Y^\circ = E_K K^\circ + E_L L^\circ + t^\circ$$

$$t^\circ = \text{نرخ پیشرفت فنی}$$

۱- اگر کشش تولیدی عامل سرمایه ۳٪ کشش تولید عامل کار ۷٪ و نرخ رشد سرمایه ۴٪ و نرخ رشد نیروی

کار ۱۵٪ و نرخ پیشرفت فنی ۱٪ باشد با توجه به مدل رشد سواد نرخ رشد جامعه چقدر است (با پیشرفت

فنی)

در چارچوب مباحث نظری، نظریه‌های رشد متعادل و غیر متعادل بررسی می‌شود. در چارچوب دیدگاه عملی پنج استراتژی توسعه، شامل استراتژی پولی، استراتژی اقتصاد باز، استراتژی صنعتی شدن، استراتژی انقلاب سبز، استراتژی‌های سوسیالیستی ارائه می‌شود.

نظریه رشد متعادل اقتصادی

نظریه رشد متعادل اقتصادی به طور خلاصه عبارتست از فراهم نمودن حداقل سرمایه‌گذاری در تمامی فعالیتهای اقتصادی و بخشهای مختلف تولیدی برای اینکه بخشهای اقتصادی بتوانند از یکدیگر حمایت نمایند چون بخش‌ها با یکدیگر مرتبط بوده به یکدیگر کالا عرضه می‌کنند و از یکدیگر کالا تقاضا می‌کنند و موجب هم‌افزایی یکدیگر می‌شوند

رشد متعادل اقتصادی به معنی ایجاد تعادل بین صنایع و بخشهای مختلف اقتصادی است که کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه‌ای تولید می‌کنند. رشد متعادل نمایانگر ایجاد تعادل بین دو بخش کشاورزی و صنعت و نیز بین بخش صادرات و بخش‌های داخلی است. رشد متعادل شامل ایجاد تعادل بین سرمایه‌گذاری‌های بالاسری اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم مولد از یک طرف و تعادل بین صرفه‌جویی‌های خارجی عمودی و افقی از طرف دیگر است.

نقطه عطف نظریه رشد متعادل اقتصادی

نورکس، پربیش‌سینگر و میردال از منتقدین تجارت آزاد بین‌المللی هستند. آنها معتقدند این تجارت آزاد یک تقسیم‌کار نابرابر بین -المللی بین کشورهای در حال‌گذر و کشورهای صنعتی ایجاد نموده طبق نظریه تجارت آزاد بین‌المللی کشورهای در حال‌گذر در تولید کالاهای کشاورزی و محصولات اولیه و کشورهای صنعتی در تولید کالاهای ساخته شده برتری نسبی دارند.

درحقیقت این نظریه در مقابل تقسیم‌کار بین‌المللی می‌ایستد و با آن مخالفت می‌کند. در مقابل استراتژی تشویق صادرات، نورکس استراتژی‌جانشینی واردات را پیشنهاد می‌نماید. تودارو دوگانگی را وجود دو موقعیت یا پدیده در کنار هم (یکی مطلوب و دیگری نامطلوب) که مشمولیت کلی ندارد؛ مثلاً فقر شدید و وفور نعمت، بخشهای مدرن و سنتی اقتصادی، رشد و رکود، تعداد معدودی باتحصیلات دانشگاهیو توده بی‌سواد تعریف می‌کند. بخش کشاورزی و بخش

صنعتی کشورهای در حال‌گذر دارای ارتباط بسیار ضعیفی

هستند به نحوی که هر بخش چه از لحاظ گرفتن یا دادن

عوامل تولید و چه از لحاظ گرفتن یا دادن کالاهای ساخته و

نیمه ساخته خود بابخش مقابل فاقد ارتباط لازم است.

انتقادات وارد بر نظریه رشد متعادل اقتصادی

نظریه رشد متعادل اقتصادی کمک زیادی به علم اقتصاد نموده است اما علی رغم نکات ارزنده ای که این نظریه دارد انتقاداتی به آن وارد است که به ذکر آنها می پردازیم. کشورهای در حال گذر سرمایه کافی برای سرمایه گذاری در تمام بخشها را ندارند مشکل اصلی این کشورها کمبود سرمایه است. الگوی رشد متعادل اقتصادی نیاز به برنامه ریزی زمانی بسیار دقیق و هماهنگی لازم بین نهادها و عوامل مختلف کشور دارد. کشورهای در حال گذر فاقد چنین توانایی هستند.

نظریه رشد متعادل اقتصادی

نظریه رشد متعادل اقتصادی روزن اشتاین رودن

- رشد متعادل اقتصادی را از دیدگاه رودن
- فرضیات مدل رشد متعادل اقتصادی روزن اشتاین رودن
- مفهوم بازدهی فزاینده و صرفه های خارجی تکنولوژیکی
- نظر رودن را در مورد دخالت دولت
- سرمایه گذاری وسیع و همزمان در تمام بخشهای اقتصادی
- راههای پیشنهادی رودن برای تأمین مخارج سرمایه گذاری
- تقسیم ناپذیری تقاضاها یا مکمل بودن تقاضاها
- تقسیم ناپذیری عرضه پس اندازها
- تقسیم ناپذیری تابع تولید

هدف کلی این بخش آشنایی دانشجو با مفاهیم رشد متعادل اقتصادی روزن اشتاین رودن است. مقدمه: پال روزن اشتاین رودن (۱۹۸۵) اهل لهستان و تابع انگلستان است. وی از پایه گذاران مکتب اتریش است. نظریه مطلوبیت نهایی از دستاوردهای مهم این مکتب اقتصادی است. اشتاین رودن نظریه توسعه اقتصادی خود را در یک جمله خلاصه می کند: طبیعت خیز بر می دارد. این جمله دقیقاً مخالف عبارت "طبیعت خیز بر نمی دارد" آلفرد مارشال است. نظریه رشد اقتصادی رودن تحت عنوان "نظریه فشار همه جانبه" یا "جهش بزرگ" یا "فشار بزرگ" نام گذاری شده است. ابتدا فرضیات مدل را می آوریم و سپس نظریه را توضیح می دهیم.

نظریه رشد متعادل اقتصادی روزن اشتاین رودن

فرضیات مدل

- دولت در اقتصاد دخالت می کند.
- تکنولوژی در حال پیشرفت است.
- توابع تولید تقسیم ناپذیر است.
- مکانیزم بازار قادر به تأمین امکانات لازم برای توسعه نیست.

رودن در نظریه خود به نقش پنج عامل اشاره می کند :

- صرفه جویی های خارجی
- وجود وابستگی متقابل بین بخشهای مختلف اقتصادی
- وجود جمعیت مازاد روستایی بیکاری پنهان
- صرفه جویی های پولی خارجی
- سرمایه ثابت اجتماعی

تعریف فشار بزرگ

نظریه رشد متعادل یا فشار بزرگ به معنی برنامه ریزی جامع و کامل سرمایه گذاری برای رفع موانع موجود بر سر راه توسعه اقتصادی کشورهای در حال گذر است.

اقدامات لازم برای توسعه اقتصادی

۱. تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص
۲. سرمایه گذاری وسیع و همزمان در تمام بخشهای اقتصادی

رودن مخالف صنعتی شدن با الگوی روسیه است.

زیرا به نظر وی رویه صنعتی شدن از طریق خود کفایی تقسیم کار بین المللی را کاهش می دهد وی شیوه جدیدی را برای صنعتی شدن مناطق اروپای شرقی ارایه می کند که بر جریان سرمایه و وام دهی خارجی مبتنی است. بر اساس تقسیم کار بین المللی منطقه اروپای شرقی در صنایع کاربر مزیت نسبی دارد و می تواند کالاهایی که نیاز به نیروی کار بیشتری دارد را تولید و با قیمت ارزانتر از سایر کشورها صادر نماید. **رودن برای تأمین مخارج سرمایه گذاری راههای زیر را پیشنهاد می کند:**

- ۱- کاهش واردات کالاهای مصرفی
- ۲- افزایش صادرات
- ۳- استقراض

تقسیم ناپذیری های اقتصاد

زمانی که یک پدیده را به توان به اجزای بسیار کوچک تقسیم کرد آن پدیده تقسیم پذیر است. وقتی می توانید منحنی عرضه را به صورت یک خط یا منحنی از چپ به راست صعودی رسم کنید فرض تقسیم پذیری را پذیرفته اید زیرا می توانید بی نهایت نقطه را به یکدیگر وصل کنید.

رودن سه نوع تقسیم ناپذیری را در فرایند توسعه برای ایجاد صرفه جویی های خارجی ذکر می کند:

- تقسیم ناپذیری تقاضاها یا مکمل بودن تقاضاها
- تقسیم ناپذیری عرضه پس اندازها

- تقسیم ناپذیری تابع تولید به خصوص تقسیم ناپذیری هزینه های بالا سری اجتماعی (نظیر دفاع ملی، شبکه راهها، بهداشت، آموزش) یا یک کاسه بودن سرمایه

نظریه راگنار نورکس

مقدمه

راگنار نورکس از نظریه پردازان رشد متعادل اقتصادی است. نورکس مشکل کشورهای در حال گذر را وجود دوره های باطل فقر می داند و می گوید: سطح درآمد های پایین در ممالک عقب مانده، باز تاب بازدهی یا قدرت تولید در سطح پایین است. اما این نیز خود ناشی از کمبود سرمایه می باشد و کمبود سرمایه نیز به نوبه خود معلول محدود بودن ظرفیت پس انداز جامعه است.

نظریه توسعه اقتصادی راگنار نورکس

نورکس راه خارج شدن از دوره های باطل فقر را سرمایه گذاری همه جانبه در کلیه بخشهای اقتصادی می داند و تأکید می کند سرمایه گذاری های مجزا و انفرادی مشکل کشورهای در حال گذر راه حل نخواهد کرد. تنها راه فرار از دوره های باطل فقر سرمایه مایه گذاری در سطح وسیعی از صنایع مختلف است.

فرضیات

نظریه نورکس برای ارایه نظریه خود فرضیاتی به صورت زیر در نظر می گیرد:

۱. اقتصاد بسته است.
۲. دولت در اقتصاد دخالت دارد.
۳. در اقتصاد کمبود تقاضای مؤثر وجود دارد.
۴. تقاضا عرضه خود را ایجاد می کند.

مدل

اگر کارگران با قدرت تولیدی بیشتری کار کنند، تولید و به دنبال آن سرمایه افزایش می یابد و تکنیکهای تولید بهبود می یابد. زمانی که بازار وسیعی در سطح جهان برای محصولات اولیه صادراتی کشورهای در حال گذر وجود ندارد این کشورها باید به دنبال افزایش تقاضای داخلی باشند. بنابراین استفاده از الگوی حمایت متقابل سرمایه گذاری ها در خطوط مختلف تولید در بخشها و صنایع مکمل می تواند وسعت بازار داخلی را گسترش دهد و اقتصاد را از دوره های باطل فقر خارج کند.

دور باطل در طرف تقاضا

دور باطل در طرف عرضه

کاربرد نظریه

کاربرد این نظریه در شرایط زمانی و مکانی مختلف متفاوت خواهد بود همان طور که رژیم غذایی متناسب با قد و اندازه و وزن و توانایی های جسمی و روحی افراد توصیه می شود. نظریه رشد متعادل در هر کشوری و در شرایط زمانی خاص انعطاف دارد مخصوصاً این الگو برای رشد تولیدات مصرفی در طول برنامه های توسعه تغییر می کند.

انتقادات وارد بر نظریه نورکس

- به اعتراف خود نورکس کشورهای در حال گذر کمبود سرمایه دارند تأمین سرمایه لازم برای اجرای نظریه نورکس بسیار مشکل است.
- اجرای نظریه نورکس نیاز به سیستم اداری و نهادهای بسیار قوی دولتی دارد کشورهای در حال گذر فاقد چنین سیستم اداری و نهادهای لازم هستند.
- اقتصاد کشورهای در حال گذر ویژگی دوگانگی دارد و بین بخشها ارتباط منسجم وجود ندارد، بخش مدرن و بخش سنتی کاملاً متمایز هستند و این امر اجرای نظریه نورکس را با مشکل مواجه می سازد.

نظریه رشد اقتصادی ریچارد . آر نلسون

مقدمه

ریچارد نلسون در سال ۱۹۵۶ نظریه خود را تحت عنوان «دام تعادل در سطح پایین» در مقاله ای ارایه کرد. نظریه وی شبیه نظریه مالتوس در مورد جمعیت است. وی معتقد است اگر درآمد سرانه از حداقل معیشت تجاوز کند جمعیت افزایش می یابد. برای خروج از دور باطل فقر باید تلاش نماییم تا رشد درآمد سرانه از رشد جمعیت بیشتر باشد. همچنین باید تلاش کرد تا درآمد سرانه از یک سطح حداقلی که در آن سطح پس انداز صفر است تجاوز کند تا بتوان پس انداز و به دنبال آن سرمایه گذاری کرد.

نظریه رشد اقتصادی ریچارد . آر نلسون

نلسون نظریه خود را در مدلی بسیار ساده با فرضیاتی ارایه کرده است در این بخش ابتدا فرضیات مدل او را ذکر می کنیم و سپس مدل او را مورد بررسی قرار می دهیم.

فرضیات

- نسبت نیروی کار به جمعیت ثابت است.
- رشد جمعیت تابعی از رشد درآمد سرانه است.
- سرمایه گذاری تابع پس انداز است.
- افزایش زمین های زیر کشت سرمایه گذاری محسوب می شود.
- ورود و خروج سرمایه های خارجی آزاد است.
- دولت در فعالیتهای اقتصادی دخالت می کند.

مدل

نلسون یک مدل ساده را با سه رابطه مشخص ارایه نمود این سه رابطه عبارتند از :

- رابطه درآمدی
- رابطه سرمایه گذاری
- رابطه جمعیتی

هرکدام از این روابط نقش خاصی را در نظریه نلسون بازی می کنند در این بخش به توضیح هرکدام از روابط فوق می پردازیم.

۱. رابطه درآمدی

در نظریه نلسون یک معادله برای تعیین درآمد وجود دارد. این معادله شبیه تابع تولید است. درآمد تابعی از ذخیره سرمایه ثابت، اندازه جمعیت، سطح تکنولوژی و شیوه تولید رایج در جامعه است.

۲. رابطه سرمایه گذاری

نلسون سرمایه گذاری خالص را افزایش مقدار زمینهای زیر کشت به علاوه پس اندازهایی که طی یک دوره به سرمایه گذاری تبدیل می شوند تعریف می کند. رابطه سرمایه گذاری به صورت زیر تعریف می شود:

$$I = S = \text{پس انداز} ، L = \text{زمین های اضافی}$$

۳. رابطه جمعیتی

نرخ رشد جمعیت رابطه مستقیم با سطح درآمد سرانه دارد. با کاهش درآمد سرانه، نرخ مرگ و میر افزایش و جمعیت کاهش می یابد تا درآمد سرانه قادر به تأمین حداقل معاش برای جمعیت موجود باشد. وقتی درآمد سرانه به سطحی بالاتر از سطح حداقل معاش برسد، افزایش درآمد سرانه تأثیر ناچیزی بر کاهش نرخ مرگ و میر دارد.

خودگردانی و استمرار

اگر نظام اقتصادی و همچنین ساختارهای اجتماعی یک کشور طوری سازماندهی شده باشند که در یک شبکه مرتبط و هماهنگ نیازهای یکدیگر را خود برآورده نمایند، در صورت بروز بحران قادر خواهند بود که به حرکت خود به سوی توسعه ادامه دهند.

دام تعادل در سطح پایین

هر اقتصاد توسعه نیافته ای در یک دام تعادل در سطح پایین گرفتار می شود. دام تعادل در سطح پایین عبارتست از: دامنه ای از درآمد سرانه در یک جامعه که در آن دامنه، نرخ رشد جمعیت فراتر از نرخ رشد درآمد قرار می گیرد.

بین دو نقطه و همزمان با رشد درآمد، جمعیت هم رشد می کند ولی چون رشد جمعیت از رشد درآمد بیشتر است درآمد سرانه کاهش می یابد و دوباره به نقطه بر می گردد.

بنابر این فاصله تا دامنه معینی از درآمد سرانه است که اقتصاد را در یک دام ننگه می دارد و چون سطح درآمد سرانه پایین است آن را دام تعادل در سطح پایین می گویند.

شرایط اجتماعی و تکنولوژیکی دام تعادل در سطح پایین

- کمیابی زمین های کشت نشده که امکان کشت آنها وجود داشته باشد.
- استفاده از روشهای تولید با بازدهی پایین و ناکارآمد
- تمایل اندک برای سرمایه گذاری درآمدهای اضافی به منظور افزایش سرمایه گذاری سرانه
- همبستگی شدید بین نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد درآمد سرانه

راههای خروج از دام تعادل در سطح پایین

- اصلاح شیوه های تولید در کلیه بخشهای اقتصادی
- اتخاذ سیاستهای مناسب توزیع درآمد
- ایجاد شرایط مناسب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای اجرای برنامه های رشد متعادل اقتصادی
- تغییر ساختار جمعیتی در مسیر کاهش نرخ زاد و ولد
- افزایش سرمایه گذاری از طریق برنامه ریزی حکومت مرکزی
- ایجاد شرایط لازم برای ورود سرمایه های خارجی

انتقادات وارد بر نظریه نلسون

علت اصلی رشد جمعیت بهبود وضعیت بهداشتی و کاهش نرخ مرگ و میر است. چون نرخ زاد و ولد تغییری نکرده است با کاهش نرخ مرگ و میر، نرخ رشد جمعیت افزایش یافته است. بنابراین رابطه تبعی بین نرخ رشد جمعیت و درآمد سرانه که نلسون آن را مطرح کرده زیر سؤال می رود. در طول زمان ممکن است افزایش درآمد سرانه در فاصله S و L باعث کشف سرمایه های جدید و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص شود که بازگشت به نقطه را ناممکن سازد و اقتصاد را به بالاتر از L انتقال دهد. بنابراین نلسون به عامل زمان توجه نکرده است.

نظریه آلبرت هیرشمن

مقدمه

رشد نامتعادل به معنی دقیق کلمه زمانی رخ می دهد که بعضی از بخشهای اقتصادی، نقش رهبری را در فرایند توسعه برعهده گیرند و قبل از سایر بخشها به سوی توسعه گام بردارند. تفاوت نظریه رشد متعادل و نظریه رشد نامتعادل در این است که رشد سریعتر برخی از بخش های اقتصاد به عدم تعادل منتهی می شود و این بخش ها نقش پیشرو و یا رهبر را در امر توسعه اقتصادی برعهده دارند.

فرضیات

- اقتصاد مختلط و مشتمل بر فعالیت بخش خصوصی و بخش دولتی است.
- بازار نقش اساسی در توسعه اقتصادی دارد.
- بخشهای اقتصادی با یکدیگر پیوند دارند.

مدل

هیرشمن معتقد است سرمایه گذاری را باید در بخش های خاص که بازدهی بیشتری نسبت به سایر بخشها دارند شروع کنیم تا سایر بخشها دارند به دنبال بخشهای پیشتاز حرکت کنند.

■ هیرشمن می گوید هدف ما باید به جای حذف عدم توازن ابقای آن باشد چون منافع و مضار موجود در یک اقتصاد رقابتی از علائم این پدیده ها است. اگر هدف ادامه پیشرفت یک اقتصاد است وظیفه یک برنامه توسعه عبارت است از: حفظ فشارها، بی تناسبی ها و عدم تعادلها.

پیوندها یا ارتباط بخشهای پیشتاز

هر سرمایه گذاری سه نوع تأثیر بر اقتصاد دارد: ۱. از طریق پیوند های پیشین ۲. از طریق پیوندهای پیشین ۳. از طریق پیوندهای هم سطح

- پیوندهای پیشین: پیوندهای پیشین پیوندهایی هستند که موجب تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در مراحل قبلی تولید می شوند.
- پیوندهای پسین: پیوندهای پسین پیوندهایی هستند که موجب تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در مراحل بعدی تولید می شوند.
- پیوندهای هم سطح: پیوندهایی هستند که موجب تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در صنایع مشابه می شوند

نامتعادل ساختن اقتصاد از طریق سرمایه گذاری در طرحهای بالاسری اجتماعی

طرحهای بالاسری اجتماعی طرحهایی هستند که بدون آنها فعالیتهای مولد در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات نمی تواند تداوم یابد. این طرحها شامل سرمایه گذاری در بهداشت، آموزش، حمل و نقل، مخابرات، گاز، آب و برق است. اجرای این طرحها زمینه فعالیت بخش خصوصی را فراهم می سازد. چون امکانات اقتصادی محدود است اجرای طرحهای بالاسری اجتماعی در مراحل اولیه توسعه، اقتصاد را نامتعادل خواهد کرد ولی بعد از انجام چنین طرحهایی سایر بخشها نیز رشد خواهد کرد.

نامتعادل کردن اقتصاد از طریق اجرای طرحهای مستقیماً مولد

دولت می تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم در طرحهای مستقیماً مولد مشارکت نماید. اگر اجرای طرحهای مستقیماً مولد قبل از انجام طرحهای بالاسری اجتماعی انجام شود هزینه های تولید افزایش می یابد. و به علت فشارهای سیاسی سرمایه گذاری در طرحهای بالاسری اجتماعی نیز تشویق می شود. چون سرمایه گذاری به دو دلیل صورت می گیرد:

۱. انتظار از سود دهی آتی ۲. فشارهای سیاسی

تجارت خارجی

هیرشمن در مورد تجارت خارجی معتقد است که کشورهای در حال گذر باید استراتژی جانشینی واردات را انتخاب نمایند و صنایع داخلی را جایگزین کالاهای وارداتی نمایند. وی شرط موفقیت این استراتژی را وجود بازار داخلی برای صنایع جایگزین اعلام می کند. البته هیرشمن با بستن درهای کشور مخالف است و ذکر می کند که می توان قطعات مجزا را وارد کرد و در واحدهای تولیدی در داخل کشور آنها را سر هم کرد و محصول مونتاژ شده تولید کرد. در مراحل بعدی می توان با استفاده از کالاهای سرمایه ای وارداتی، قطعات را در داخل تولید کرده و سپس کالای نهایی را تولید کرد.

انتخاب بخش صنعت به عنوان یک بخش پیشتاز

هیرشمن سه دلیل زیر را برای اولویت بخش صنعت بر بخش کشاورزی ذکر می کند:

- همه کشورهای توسعه یافته صنعتی هستند.
- بازده عوامل تولید در بخش صنعت از بخش کشاورزی بیشتر است.
- توسعه بخش کشاورزی نیاز به محصولات صنعتی نظیر تراکتور، کمباین، کود شیمیایی، آبیاری پیشرفته و حمل و نقل پیشرفته دارد.

انتقادات وارد بر نظریه رشد نامتعادل

- با تمرکز سرمایه در یک بخش در جامعه دوگانگی ایجاد می شود.
- کشورهای در حال گذر به اندازه کافی نیروی متخصص برای اداره بخش پیشتاز و کلیدی را ندارند.
- مقایسه بخش کشاورزی یک روستای دور افتاده با یک کارخانه پتروشیمی پیشرفته از لحاظ بازدهی صحیح نیست.
- هیرشمن تأثیر پیوندها بر اقتصاد را به صورت مکانیکی می داند.
- اجرای این نظریه موجب فشارهای تورمی می شود.
- در اجرای برنامه های توسعه عوامل باز دارنده ای وجود دارد که در مقابل اجرای طرحهای بالاسری اجتماعی مقاومت منفی می کنند.

استراتژیهای عملی

۱- استراتژی پولی

۲- استراتژی اقتصاد باز

۳- استراتژی صنعتی شدن

۴- استراتژی انقلاب سبز

مقدمه

در این بخش پنج استراتژی عملی توسعه اقتصادی مورد بحث قرار می گیرد.

۱- استراتژی پولی

در این استراتژی محور اصلی توسعه بخش خصوصی است.

این استراتژی در پی کاهش نقش دولت در اقتصاد است.

۲- استراتژی اقتصاد باز

در استراتژی اقتصاد باز تأکید
خاص بر بخش تجارت خارجی و
سرمایه گذاری بخش خصوصی
خارجی است.

۳- استراتژی صنعتی شدن

این استراتژی بر خلاف استراتژی پولی برای دولت نقش کلیدی قائل است.

استراتژی جایگزینی واردات

جایگزینی واردات مستلزم کوشش برای جانشین کردن کالاهای صنعتی که قبلاً وارد می شده از طریق استفاده از منابع تولید و عرضه داخلی است. اولین استراتژی که بشر استفاده کرد استراتژی جایگزینی واردات و اولین کشور انگلستان بود. جایگزینی واردات به معنی توسعه صنعتی از طریق حمایت می باشد. استراتژی جایگزینی واردات لازمه اش آزادی اقتصادی در داخل و کنترل شدید خارجی است.

۴- استراتژی انقلاب سبز

در استراتژی انقلاب سبز محور اصلی بخش کشاورزی است.

چین و تایلند در به کارگیری این استراتژی موفق بوده اند.

۵- استراتژیهای سوسیالیستی توسعه در این استراتژی طرح و اجرای برنامه های توسعه به عهده دستگاه برنامه ریزی مرکزی است.

نقش دولت در توسعه اقتصادی

۱. گسترش خدمات اجتماعی و زیرساختهای توسعه

۲. سیاست پولی، مالی و سیاست کسر بودجه

۳. بازرگانی بین المللی و سیاستهای حمایتی

مقدمه

آدام اسمیت پدر علم اقتصاد یک لیبرال کلاسیک بود. وی وظیفه دولت را تنها محدود به تأمین امنیت و عدالت اجتماعی می دانست. امروزه اقتصاددانان توسعه بر دخالت دولت در راه نیل به توسعه اقتصادی تأکید می کنند. اهم وظایف دولت در راستای دستیابی به توسعه اقتصادی

۱. گسترش خدمات اجتماعی و زیرساختهای توسعه

۲. سیاست پولی، مالی و سیاست کسر بودجه

۳. بازرگانی بین المللی و سیاستهای حمایتی

۱. گسترش خدمات اجتماعی و زیرساختهای توسعه

خدمات اجتماعی نظیر توسعه آموزش و پرورش، بهبود وضع بهداشت عمومی و ایجاد امکانات رفاهی برای افراد جامعه توسط دولت صورت می گیرد. بخش خصوصی برای چنین فعالیتهایی انگیزه ندارد.

۲. سیاست پولی، مالی و سیاست کسر بودجه

دولت می تواند به وسیله اعمال سیاست پولی و مالی در شرایط مختلف اقتصادی، جامعه را به سوی توسعه اقتصادی حرکت دهد.

مالیات، پرداختهای انتقالی و انتشار اوراق قرضه عمومی ابزارهای سیاست مالی هستند.

تغییر نرخ بهره، عرضه پول، کنترل اعتبارات ابزارهای سیاست پولی هستند.

۳. بازرگانی بین المللی و سیاستهای حمایتی

اقدامات دولت در بازرگانی بین المللی عبارتند از:

۱. کاهش واردات کالاهای لوکس و مصرفی

۲. استفاده از کالاهای ساخت داخل

۳. اتخاذ قوانین صحیح در جهت تسهیل صادرات

۴. کمک و تشویق صادرکنندگان داخلی

۵. بستن تعرفه گمرکی بر کالاهای وارداتی

توزیع درآمد و توسعه اقتصادی

مقدمه

تقریباً تمامی اقتصاددانان شکوفایی اقتصادی را مرهون دخالتهای دولتهای در فعالیتهای اقتصادی می دانند. در حال حاضر یکی از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی توزیع مناسب و متعادل درآمد است. توزیع مناسب درآمد بدون دخالت دولت صورت نمی گیرد زیرا بخش خصوصی در کشورهای در حال گذر ناکارآمد بوده و تخصیص منابع را به سمت اهداف سود آور کوتاه مدت هدایت می کند و توزیع درآمد را به شدت نابرابر می نماید.

عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

۱. عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد
۲. عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

۱. عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

بین افراد مختلف تفاوت‌های فردی جسمی، روحی، وراثتی، وجود دارد. چون افراد از لحاظ درجه هوش، توانایی‌های جسمی ذاتی، مسئولیت‌پذیری، صبر و تحمل در مقابل مشکلات، قناعت و سازگاری با محیط تفاوت دارند لذا دو فرد با شرایط یکسان تحصیل و تجربه و سن دریافتی متفاوت دارند کاهش این تفاوتها بسیار مشکل بوده و در حوزه برنامه‌های توسعه نیست.

۲. عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

مسئله فقر و توزیع ناعادلانه درآمد منشأ سیاسی و نهادی دارد در کشورهای در حال گذر عوامل جبری شامل انواع تبعیضات نظیر تفاوت در حقوق زن و مرد، عدم رعایت حقوق کودکان و زنان سرپرست خانوار، تفاوت بین حقوق کارگران داخلی و خارجی و تفاوت بین افراد وابسته به مراکز قدرت سیاسی و افراد عادی و عوامل تصادفی نظیر خوش شانس یا بدشانسی در زمینه پیدا کردن شغل مناسب، ادامه تحصیل، ازدواج، و استفاده از امکانات بر توزیع درآمد مؤثرند.

نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد

بدون دخالت دولت توزیع درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع می‌شود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد می‌شود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره‌مند می‌شوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیر خط فقر قرار می‌گیرند لذا دولت باید در امر توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید.

توزیع درآمد شخصی

برای درک مفهوم درآمد شخصی از یک مثال استفاده می‌کنیم. فرض کنید فرد "الف" ۱۰۰۰ واحد و فرد "ب" ۸۰۰ واحد درآمد دارند. این توزیع درآمد صرفاً با اشخاص یا خانواده‌ها و کل درآمدی که آنها دریافت می‌کنند سر و کار دارد و طریقه کسب درآمد در نظر گرفته نمی‌شود.

توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید

در این دیدگاه مقیاس توزیع درآمد درصدی از درآمد ملی است که نیروی کار به عنوان دستمزد دریافت می‌کند در مقایسه با درصدی از درآمد که به شکل سود، اجاره یا بهره توزیع می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید ۱۰۰۰ واحد درآمد به صورت زیر توزیع شده است. این ارقام فقط می‌توانند نشان دهند که سهم کارگران، سرمایه‌داران، زمین

داران و وام دهندگان از تولید ملی چقدر است. چون تعداد هر طبقه مشخص نیست راجع به عادلانه بودن یا ناعادلانه بودن توزیع نمی توان اظهار نظر کرد.

منحنی لورنز

منحنی لورنز توزیع های درصد تجمعی درآمد خانوارها (در محور عمودی) را متناسب با توزیع های تجمعی تعداد خانوارها (در محور افقی) رسم می کند که مطابق با درآمد خانوارها از پایین به بالا مرتب شده اند.

ضریب جینی

ضریب جینی نسبت مساحت بین قطر مربع و منحنی لورنز به کل مساحت نصف مربع است. برای هر درصد دریافت کننده درآمد یک ضریب جینی به دست می آید مجموع ضرایب جینی کل دریافت کنندگان درآمد یک مقیاس اندازه گیری نابرابری درآمد جامعه است.

**ضرایب جینی می تواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند.
مقایسه ضریب جینی و منحنی لورنز**

دو منحنی لورنز رسم شده که هر دو ضریب جینی یکسانی را دارند اما توزیع درآمد در دو جامعه متفاوت است جامعه ای که منحنی لورنز آن نقطه چین است. در طبقات پایین، درآمد نسبتاً عادلانه تر است و در طبقات بالاتر ناعادلانه تر است. جامعه ای که منحنی لورنز آن خط پر است در طبقات پایین درآمد نابرابرتر از طبقات بالا است.

مقایسه دو منحنی لورنز با ضرایب جینی یکسان و توزیع متفاوت درآمد

نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی

مقدمه

امر آموزش از جهات متفاوتی در مسائل مربوط به تولید اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. توسعه اقتصادی مستقل از توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و علمی نیست. تمام ابعاد توسعه به یکدیگر پیوسته اند و بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. علم اقتصاد به شاخه‌های متعددی تقسیم شده است اقتصاد آموزش یکی از شاخه‌های مهم علم اقتصاد است که در اوایل دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد.

سرمایه انسانی نسبت به سرمایه فیزیکی مزیت دارد زیرا سرمایه انسانی به ندرت استهلاک پیدا می‌کند و بر اثر استفاده بیشتر ارتقاء می‌یابد در صورتی که سرمایه مادی مستهلک می‌شود و در اثر استفاده بیشتر از میزان و کیفیت آن کاسته می‌شود.

تعریف انباشت سرمایه انسانی

برای توسعه اقتصادی هم نیاز به انباشت سرمایه فیزیکی و مادی نظیر ساختمان، ماشین آلات، جاده، سد و پول است و هم نیاز به سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی به معنی افزایش توانمندی افراد در تولید کالاها و خدمات است هرگونه آموزش و یادگیری که ظرفیت تولیدی افراد را افزایش دهد یک نوع سرمایه انسانی است. انباشت سرمایه انسانی به معنی روند تشکیل و افزایش تعداد افرادی است که دارای مهارتهای فنی، آموزش و تجربه می‌باشند و وجود آنها برای توسعه اقتصادی کشور ضروری است.

مشخصه‌های سرمایه گذاری آموزشی

آموزش هم مصرف است و هم سرمایه گذاری، از یک سو منافع فوری آن مطرح است و از سوی دیگر کمک آن به ایجاد درآمد در آینده از طریق تولید و تربیت کارگران ماهر که قادرند در آینده ظرفیتهای تولیدی خویش را افزایش داده و درآمدهای بالاتری دریافت دارند. آموزش و پرورش یکی از باثبات ترین بخش های اقتصادی هر جامعه به حساب می‌آید، سایر بخش های اقتصادی نظیر بخش کشاورزی و بخش صنعت غالباً با رکود و رونق مواجه می‌شوند. طبیعت آموزش و پرورش موجب شده که این بخش از ثبات و تعادل بیشتری برخوردار شود.

انواع آموزش و پرورش

آموزش توانایی های افراد را افزایش می‌دهد و افراد آموزش دیده نسبت به قبل از آموزش بازدهی بیشتری در تولید کالاها و خدمات دارند. آموزش به دو صورت رسمی و غیررسمی عرضه می‌شود. که هر کدام از آنها انواع مختلفی دارند.

۱. آموزش و پرورش رسمی

رایج ترین نوع آموزش، آموزش رسمی است که با ضوابط خاصی فرد متقاضی تحصیل را می‌پذیرد در این نوع آموزش معلمین و مربیان دارای مدرک تحصیلی و ویژگی های خاصی هستند دوره زمانی و محتوی مواد آموزشی مشخصی و استاندارد است. در طول دوره فرد ساعات معینی را در مکان معینی حضور پیدا می‌کند و پس از طی دوره امتحان می‌دهد برای گذارندن دوره حداقل نمره لازم را می‌آورد و به دوره بالاتر ارتقاء می‌یابد.

۲. آموزش غیر رسمی

آموزش غیر رسمی آموزشی است که مدرک معتبر و استانداری به آموزش دیده نمی دهند. این نوع آموزش نیز بر توانایی های فرد تأثیر می گذارد آموزش غیر رسمی دو نوع است :

۱. آموزش غیر رسمی دوره ای

۲. آموزش آزاد و همگانی

۳- هزینه های آموزش و پرورش

هزینه های آموزش و پرورش به دو بخش هزینه های اجتماعی و فردی تقسیم می شود :

هزینه های اجتماعی: هزینه هایی را که جامعه و عمدتاً دولت برای امر آموزش به مصرف می رساند و بابت آن از فرد آموزش دیده ما به ازایی دریافت نمی کند، هزینه های اجتماعی آموزش گویند.

هزینه های فردی: این هزینه ها شامل هزینه های آشکار نظیر پرداخت شهریه، خرید کتاب و لوازم التحریر و هزینه های فرصت از دست رفته فردی است.

منافع آموزش و پرورش

منافع آموزش و پرورش به دو دسته تقسیم می شود:

منافع مستقیم آموزش: عبارتست از افزایش بهره وری ناشی از آموزش یک دوره تحصیلی که موجب افزایش درآمد ملی جامعه می شود.

منافع غیر مستقیم آموزش: عبارتست از میزان استفاده دیگران از فرد آموزش دیده و تأثیر در بهره وری کار آنها و نیز تأثیر آن در بیداری استعدادها نوآوری و ابتکار و اثر آن در کاهش تضادهای سیاسی واجتماعی .

فرار مغزها

آموزش نقش مهمی در مهاجرت های بین المللی دارد. هر چه تحصیلات افراد در کشورهای در حال گذر بالا می رود . احتمال مهاجرت آنها به کشورهای صنعتی بالا می رود. فرار مغزها به معنی مهاجرت افراد تحصیل کرده و ماهر و نیروی انسانی فنی از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته است.

بیکاری تحصیل کرده ها

به خاطر ناهماهنگی عرضه و تقاضای آموزش نیروهای تحصیل کرده کشورهای در حال گذر پاسخ گوی نیازهای تخصصی این کشورها نیستند و این امر موجب بیکاری تحصیل کرده ها از یک سو و کمبود نیروی متخصص در رشته هایی که کمبود تحصیل کرده دارند می شود.

تکنولوژی و توسعه اقتصادی

مقدمه

تکنولوژی ابزاری است که در جریان تبدیل نهاده ها به ستاده ها نقش به سزایی دارد. تکنولوژی در کنار سایر منابع و عوامل تولیدی مانند زمین، سرمایه، نیروی انسانی، و مدیریت از جمله عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در نظر گرفته می شود.

تعریف تکنولوژی

تکنولوژی عامل تبدیل کننده منابع طبیعی، زمین، سرمایه و نیروی انسانی به کالای ساخته شده است.

تکنولوژی به دو صورت تعریف می شود:

۱. تکنولوژی عاملی است که با استفاده از همان میزان قبلی از عوامل تولید، امکان تولید بیشتر را فراهم می کند.
۲. تکنولوژی عاملی است که با استفاده از مقادیر کمتری از عوامل تولید، امکان تولیدی به همان مقدار محصول به دست می آید.

انواع تکنولوژی

۱. تکنولوژی کاربر
۲. تکنولوژی سرمایه بر
۳. تکنولوژی خنثی

تکنولوژی کاربر

در این تکنولوژی نسبت به کار گیری سرمایه به نیروی کار کاهش می یابد.

تکنولوژی سرمایه بر

در این تکنولوژی نسبت به کار گیری سرمایه به نیروی کار افزایش می یابد.

آثار تحولات تکنولوژی

تحولات تکنولوژی تولید دو اثر دارد:

۱. اثر کوتاه مدت در سطح خرد
۲. اثر بلند مدت در سطح کلان

اثر تغییر در تکنولوژی تولید در کوتاه مدت به صورت زیر قابل مشاهده است:

۱. افزایش محصولات بیشتر در واحد زمان

۲. کاهش قیمت محصولات

۳. تولید محصول جدید

۴. ارتقاء کیفیت محصولات

فرایند توسعه تکنولوژی

خلق تکنولوژی جدید نتیجه فرایند نوآوری تکنولوژیکی است.

انتشار + اختراع = نوآوری

فرایند تکنولوژی دارای سه مرحله است:

۱. اختراع

۲. فعالیتهای بین اختراع تا اولین کاربرد

۳. جایگزینی و انتشار تکنولوژی جدید و منسوخ شدن تکنولوژی قبلی

برنامه ریزی اقتصادی

مقدمه

تمامی کشورها با هر نوع نظام اقتصادی در فعالیتهای اقتصادی خود از برنامه ریزی استفاده می کنند. بنابراین لازم است که با برنامه ریزی و انواع آن آشنا شویم. هیچ کشور توسعه یافته ای نیست که از برنامه ریزی استفاده نکرده باشد حتی کشورهای سرمایه داری برای تنظیم بازار و تولید کالاها و خدمات عمومی از برنامه ریزی استفاده می کنند.

تعریف برنامه ریزی

تودارو برنامه ریزی اقتصادی را تلاش آگاهانه دولت در جهت هماهنگی تصمیمات اقتصادی در بلندمدت و تأثیرگذاری، جهت دادن در برخی موارد حتی کنترل سطح رشد متغیرهای اصلی اقتصادی یک کشور (مانند درآمد، مصرف، اشتغال، سرمایه گذاری، پس انداز، صادرات و واردات و غیره) برای رسیدن به یک سلسله هدفهای از قبل تعیین شده توسعه می داند.

زوئیگ برنامه ریزی را به معنی برنامه ریزی همه جانبه اقتصاد ملی می داند.

به نظر پرفسور رایس برنامه ریزی اقتصادی عبارت از کنترل کلی ابعاد فعالیتهای بخش خصوصی در تولید تجارت خارجی است.

به نظر موسوی جهرمی برنامه ریزی اقتصادی فرایندی است که طی آن به صورت آگاهانه و ارادی به منظور حصول به اهداف مشخص اقتصادی مانند ایجاد تغییرات مطلوب در متغیرهای کلان اقتصادی چون تولید ناخالص ملی، مصرف، پس انداز، سرمایه گذاری و ... تصمیم گیری می شود.

شرایط لازم برای کسب موفقیت برنامه ریزی اقتصادی

- ۱. سازمان برنامه ریزی
- ۲. اطلاعات آماری
- ۳. تعیین اهداف
- ۴. تعیین اولویتهای
- ۵. آماده و مهیا نمودن منابع اقتصادی
- ۶. تعادل در برنامه
- ۷. وجود تشکیلات اداری سالم
- ۸. سیاست مناسب توسعه
- ۹. صرفه جوییهای اقتصادی در بخش دولتی
- ۱۰. بنیاد آموزشی و همکاری عمومی
- ۱۱. الگوی مصرف

انواع برنامه ریزی

- ۱. برنامه ریزی اقتصادی نظام سرمایه داری
- ۲. برنامه ریزی سوسیالیستی
- ۳. برنامه ریزی اقتصادی در نظامهای مختلط
- ۴. برنامه ریزی توسعه

مراحل برنامه ریزی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

- ۱. برنامه ریزی پروژه های منفک
- ۲. برنامه ریزی سرمایه گذاری تلفیق شده دولتی
- ۳. برنامه ریزی جامع
- ۴. برنامه ریزی هسته های اصلی

روند برنامه ریزی در کشورهای سرمایه داری و کشورهای کمونیستی

انواع برنامه ریزی به اعتبار جامعیت

- ۱. برنامه جامع
- ۲. برنامه محدود

انواع برنامه ریزی به اعتبار الزام در اجرا

- ۱. برنامه ریزی اخباری
- ۲. برنامه ریزی دستوری
- ۳. برنامه ریزی ارشادی
- ۴. برنامه ریزی مختلط

برنامه ریزی از نظر مدت اجرا

- ۱. برنامه ریزی کوتاه مدت
- ۲. برنامه ریزی میان مدت
- ۳. برنامه ریزی بلند مدت

برنامه ریزی به اعتبار حوزه شمول جغرافیایی برنامه

- ۱. برنامه ریزی محلی
- ۲. برنامه ریزی منطقه ای
- ۳. برنامه ریزی ملی
- ۴. برنامه ریزی بین المللی

برنامه ریزی به اعتبار نحوه تهیه برنامه

۱. با مشارکت مردم
۲. بدون مشارکت مردم

برنامه ریزی سطح برنامه

۱. برنامه ریزی کلان
۲. برنامه ریزی بخش
۳. برنامه ریزی طرح

مراحل برنامه ریزی اقتصادی

۱. تعیین نوع مناسب برنامه
۲. تدوین و ایجاد نظام برنامه ریزی
۳. تعیین اهداف کیفی
۴. برنامه ریزی کلان
۵. برنامه ریزی بخشی
۶. برنامه ریزی طرح



مرحله ۶. برنامه‌ریزی طرح

- تعیین چارچوب زیربخش از طریق بخش مربوطه
- طراحی پروژه‌های مختلف به منظور تأمین نقش هر زیربخش در اهداف بخش
- انتخاب از میان پروژه‌های طراحی و ارزیابی شده

LashkariDr

مراحل برنامه‌ریزی

مرحله ۱- تعیین نوع مناسب برنامه
 مرحله ۲- تدوین و ایجاد نظام برنامه‌ریزی
 مرحله ۳- تعیین اهداف کیفی



مرحله ۴. برنامه‌ریزی کلان

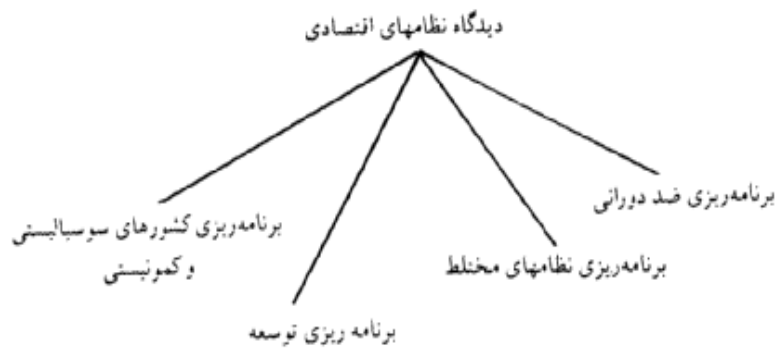
- تبدیل اهداف کیفی به کمی
- تعیین متغیرهای اساسی اولیه
- تشخیص متغیرهای کلان بخشی مورد نیاز
- تشخیص متغیرهایی برای بررسی سازگاری مدل
- دسته‌بندی متغیرهای بیرونی و درونی
- نوشتن معادلات متغیرهای درونی
- مشخص کردن متغیرهای تبعی
- تعیین سناریو
- استنتاج خط مشی
- تعیین چهارچوب کلان بخشی



مرحله ۵. برنامه‌ریزی بخشی

- تعیین متغیرهای کلان بخشها بوسیله خواندن متن برنامه کلان
- تعیین زیربخشها
- رفت و برگشت بین برنامه بخشها و کلان
- تهیه پیش‌تویس برنامه بخشها
- انجام اصلاحات
- پس از رفت و برگشتهای مکرر تهیه برنامه هر بخش

انواع برنامه‌ریزی اقتصادی
 برنامه‌ریزی اقتصادی از دیدگاه‌های گوناگون طبقه‌بندی می‌شود:

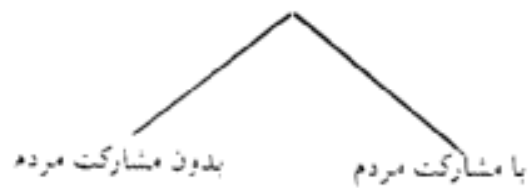


LashkariDr

دیدگاه حوزه شمول جغرافیایی برنامه



دیدگاه نحوه تهیه برنامه



LashkariDr